

نقد، بررسی و تکمله‌ای بر مدخل جهانشاه قراقویونلو، در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۱۹)

با نگاهی به سیمای تاریخی و شخصیت ادبی جهانشاه قره‌قویونلو، نخستین فرمانروای شیعی در شرق میانه

دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۱۹)، شامل: مدخل‌هایی از (جوینی، ابوالمظفر - حافظ)؛ زیر نظر: سید محمد کاظم موسوی بجنوردی؛ تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، چ ۱، ج ۱۹، ۱۳۹۰، ۲۷۸ ص.

چکیده: جدیدترین مجلات دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد نوزدهم آن است. یکی از مدخل‌های درج شده در این مجلد، مدخل: «جهانشاه قراقویونلو» بوده که توسط «روزبه زرین کوب» نوشته شده است. نویسنده نوشتار حاضر را با هدف مورد بازبینی و بازنویسی قرار دادن و تکمیل این مدخل در دایره المعارف به رشته تحریر درآورده است. از این رو، ابتدا نگاهی به سیمای تاریخی و شخصیت ادبی جهانشاه قراقویونلو دارد. وی با واکاوی اشعار تورکی جهانشاه و ارائه نمونه‌ای از اشعار وی، نوشتار را ادامه می‌دهد. در انتها، نسخه‌های خطی دیوان جهانشاه را بررسی و نامه منظوم وی به پسرش و نیز پایان کار جهانشاه را بیان می‌دارد.

کلیدواژه: جهانشاه قراقویونلو، جلد ۱۹ دایره المعارف بزرگ اسلامی، سیمای تاریخی، شخصیت ادبی، فرمانروای شیعی، شرق میانه.

جدیدترین مجلد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی جلد نوزدهم آن است. این مجلد مانند مجلد‌های قبل یکی از آثار گرانبهای تحقیقی مرکز پژوهش‌های اسلامی و ایرانی با سرپرستی استاد سید محمد کاظم موسوی بجنوردی است. این مجموعه مشتمل بر ۲۲۵ مدخل از (جوینی، ابوالمظفر - حافظ) در ۷۷۵ صفحه دو ستونی، به ضمیمه مقدمه، نمایه‌ها و فهرست‌های مربوط است. از جمله بلندترین مقالات این کتاب حافظ، جهنم، چاپ، چشم‌پزشکی و چوگان است. در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی مدخل‌های گوناگونی پیش‌بینی شده است که زمینه‌های مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی مانند

قرآن‌شناسی، فقه، حدیث، تاریخ سیاسی و اجتماعی، جغرافیای تاریخی و انسانی، اسلام و فرقه‌های اسلامی، اعم از فرقه‌های مذهب و مکاتب کلامی، فلسفه و عرفان، زبان و ادبیات سرزمین‌های اسلامی، تاریخ علوم ریاضی و طبیعی، هنر و معماری، مردم‌شناسی و نیز جنبه‌های فرهنگ بومی و محلی اقوام مسلمان در شرق میانه را در برمی‌گیرد. همچنین برخی از مدخل‌ها و موضوعات برای اولین بار است که

تحقیق شده‌اند. مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی سازمانی فرهنگی -- پژوهشی است که برای تدوین و انتشار دایرةالمعارف اسلامی، عمومی، تخصصی و دیگر مراجع علمی در اسفند ماه ۱۳۶۲ در تهران تأسیس شده است. نخستین اثر تحقیقاتی این مرکز دایرةالمعارف

۱. برخود لازم می‌دانم از استاد حمید احمدزاده، استاد محمد رضا انصاری محلاتی، دکتر بهرام گرامی، ابراهیم قشم‌زاده و مسلم عبدالهی حیدریاگی تشکر و قدردانی نمایم.

بازد پایی تاریخی و شخصیت سیاسی و ادبی، پیشرو سلسله صفویه و ادامه‌دهنده مکتب شیعه و حتی سلسله شیعه قطب شاهیان هند که قریب دویست سال بر قسمت بزرگی از شبه‌قاره هند حکومت کردند بوده است. چگونه با چنین صفات و شرح حالی از این فرمانروا، فقط ۵ ستون به اضافه نیم ستون منابع در چنین کتاب وزین و قویمی که باعث افتخار، بالندگی، رشد، اعتلاء و افتخار کشور عزیزمان ایران اسلامی است چاپ شده است.

اشعار ترکی^۳ و فارسی جهان‌شاه قراقویونلو درست در زمان سستی و فترت رویه زوال زبان فارسی سروده شده و چنان اشعار پُرمایه‌ای است که حتی برخی از پژوهشگران مانند مینورسکی و دیگران، وی را رومی ثانی لقب داده‌اند. او با استنساخ چندین نسخه از دیوان اشعار خود در قرن نهم هجری، دیوان‌اش را به تمام شعرای ممالک اسلامی از جمله: عبدالرحمن جامی (شاعر شهیر) ارسال داشته است. جامی هم ضمن پاسخگویی با مطلع (مهر شاه‌جان، جهان‌شاهست)، از دیوان جهان‌شاه تقدیر و همراه با قصیده و نسخه‌ای از دیوان اشعار خود برای وی ارسال داشته است. جامی در این نامه منظوم اشعار جهان‌شاه را بسیار ارزشمند ارجمند و پُرمایه ارزیابی نموده و دیوان او را خزانه و جهان‌شاه را پادشاه «دانش مآب و عرفان پناه»، «سلطان العارفین»، «افتخار السلاطین» و «زبد العادلین» و... خوانده است.

□ □ □

نگاهی به سیمای تاریخی، و شخصیت ادبی جهان‌شاه- قراقویونلو، نخستین فرمانروای شیعی در شرق میانه
حکومت ترکان شیعه آذربایجانی قراقویونلو با حکمرانی «امیر قریه‌یوسف بن قریه‌محمد» در سال ۸۱۰ هـ / ۱۴۰۷ م شروع و با فرمانروایی سی و پنج ساله «ابوالمظفر جهان‌شاه بن قریه‌یوسف»^۴ ادامه یافت، با حکومت یک ساله

۳. صورت نوشتاری این واژه بر اساس اصول قیاسی «تورکی» است.

۴. بر اساس نوشته‌های تاریخ‌نگاران دوره صفوی، و همچنین موزخان هم عصر ترکان قراقویونلو آق قویونلو، جهان‌شاه قراقویونلو، ابوالمظفر جهان‌شاه بن قریه‌یوسف نام‌آورترین فرمانروای قراقویونلو احتمالاً در سال (۸۰۲ هـ / ۱۳۹۹ م) در ماردین رومیته (تکیه امروزی) و به روایتی در شهر خوی آذربایجان به دنیا آمده است. (رک به: بوداق منشی قزوینی، ص ۷۱؛ قزوینی، ص ۳۵۶؛ خورشاه بن قباد، گ ۵۰۴؛ مجدی، ص ۹۶۶؛ والی اصفهانی، ص ۷۱۵). سخاوی (ج ۳، ص ۸۰) تاریخ تولد او را اوایل سده نهم دانسته و ابن‌تغری‌بردی (۱۹۸۸، ج ۵، ص ۲۶) به سال (۸۱۰ هـ / ۱۴۰۷ م) یا بعد از آن را احتمال داده است. امیر قریه‌یوسف، (پدر جهان‌شاه) پس از درگذشت تیمور گورکانی (متوفی ۸۰۷ هـ / ۱۴۰۴ م) و آزادی از زندان ممالیک مصر، برای بازپس‌گیری سرزمین‌های آباء و اجدادی خود (آذربایجان، و همچنین شرق و غرب آناتولی) حرکت خود را از شامات و مصر آغاز می‌کند و در بین راه مهمان «مجدالدین عیسی بن ارتق»، حکمران شهر ماردین می‌شود. از طرفی می‌دانیم که جهان‌شاه در همین ایام به دنیا آمد (د. ا. تورک، ج ۳، ص ۱۷۳). نیز: «SÜMER, Faruk, "Kara-Koyunlular", *İslam Ansiklopedisi*, İslam Alemi Tar-1993, İstanbul, 1993, C 6, İstnbul, Coğrafya, Etnografya ve Biyografya Lugati, C 6, İstnbul, 1993».

بزرگ اسلامی است که به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی منتشر می‌شود.^۲

یکی از مدخل‌های درج شده مجلد در نوزدهم از دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی مدخل «جهان‌شاه قراقویونلو» است که در پنج ستون از ص ۳۶-۳۸، به اضافه یک نیم ستون از منابع توسط آقای «روزبه زرین‌کوب» نوشته شده است. این در حالی است که برای مدخل‌هایی مانند جهنم، چاپ، چشم‌پزشکی، چوگان و... ده‌ها صفحه یا بیشتر از آن اختصاص یافته است. به نظر می‌رسد این مدخل با تعجیل و کمی دور از انصاف و انتظار

ادب‌دوستان و محققان و به دور از هرگونه مطالعات میدانی، تخصصی و بدون جستجو، ریشه‌یابی و استفاده از منابع اولیه منتشر شده است.

راقم این سطور امیدوار است که همان طور که سرویراستار گرامی، استاد سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی قول ویرایش و چاپ دوم آن را داده‌اند، این مدخل و دیگر مدخل‌های اینچنینی مانند مدخل ترجمه قرآن که در مجلد ۱۴ دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی درج شده بازبینی شود. گفتنی است آن مدخل هم مورد بازبینی و نقد این جانب قرار گرفته و نوشتار نقد و بررسی آن در شماره ۱۱۴ نشریه وزین آینه پژوهش در شماره بهمن و اسفند ۱۳۸۷ از ص ۵۷ تا ۶۳ با عنوان نگاهی به دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (جلد ۱۵، مدخل ترجمه قرآن) به چاپ رسیده است. ذکر این نکته لازم است که این مقاله به رؤیت سرویراستار محترم دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی نیز رسیده و ایشان در نامه‌ای، قول بازبینی در مدخل ترجمه قرآن را برای اینجانب مرقوم داشته‌اند. نویسنده این سطور امید آن دارد که این مدخل نیز مانند برخی از مدخل‌ها، در ویراست و چاپ دوم مورد بازبینی، بازنویسی و تکمیل قرار گیرد.

□ □ □

جهان‌شاه قراقویونلو اولین و بزرگ‌ترین پادشاه شیعه‌مذهب در شرق میانه است که از شامات تا سند و هندوستان (نزدیک به ۳۵ سال) با شوکت و قدرت تمام فرمانروایی کرده است؛ یعنی ۶۶ سال قبل از اعلان رسمی مذهب شیعه توسط «شاه اسماعیل صفوی». حال برای چنین شخصیت مهم سیاسی با آن سیمای تاریخی و ادبی که آثار ادبی و ابنیه‌های مذهبی شیعی فراوانی از خود به یادگار گذاشته، شایسته است که فقط در پنج ستون و به صورت تیتروار و روزنامه‌ای در دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی مدخلی نوشته شود؟! جهان‌شاه قراقویونلو

۲. وب سایت رسمی دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، مرکز پژوهش‌های اسلامی و ایرانی، نویسنده: سعیده خان احمدی. (با تغییر و تصحیح مجدد).



(حکومت: ۸۴۱-۸۷۲ هـ / ۱۴۳۷-۱۴۶۷ م)،^{۱۴} متخلص به «حقیقی»^{۱۵} / حقیقت معروف‌ترین پادشاه از سلسله قراقویونلوهاست.^{۱۶} جهان‌شاه اولین فرمانروای شیعی مذهب در شرق میانه است که توانست در آذربایجان، خراسان، فارس، عراقین، گرجستان، قسمتی از آسیای صغیر، شامات و دریای عمان و حتی تا مرز سند و هند با شوکت و عظمت تمام حکومت کند.^{۱۷}



درباره وجه تسمیه سلسله قراقویونلو برخی از پژوهشگران و مورخان آن را با نشان بیرق‌هایشان که به شکل قوچ سیاه‌رنگ بوده مرتبط دانسته‌اند.^{۱۸}

در برخی از منابع تاریخی به

گرایش‌های شیعی پادشاهان قراقویونلو اشاره شده^{۱۹} و چنین می‌نماید که آنها قبل از موفق شدن به تشکیل حکومت، پیوسته با امیر تیمور گورکانی در مبارزه بوده‌اند،^{۲۰} اما برخلاف رقیب دیرینه ایشان، خاندان «آق قویونلو» از مذهب اهل سنت و جماعت پیروی می‌کرده و حتی در

بسیاری از کلمات ترکی که با «دال» آغاز می‌شدند به «تا / ط» ابدال کرده و از اصول مستند «نوشته قیاسی» عدول کرده‌اند. برای مثال کلماتی مانند «دوغول، طغول»، «دوغ‌ای، طغای»، «دولان‌ای، طولان‌ای / تولان‌ای»، «دومول، تمول» و ...
 ۱۴. عبدالعلی کارنگ، آثار باستانی آذربایجان، ص ۷۹.
 ۱۵. آغابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۹، ۱۱۸۷ و اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۲۵۸.
 ۱۶. خواندمیر [خان دمیرا]، حبیب‌الشری، به کوشش محمود دبیرسیاقی، ج ۳، ص ۴۷۸-۴۸۲.
 ۱۷. دائرة المعارف تشیع، ج ۵، ص ۵۴۴؛ سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۳۰۰-۳۰۱، ج ۴، ص ۲۴۹ و ج ۱۷، ص ۲۴۹.
 18. Faruk, Sümer, "Kara-Koyunlular", *İslam Ansiklopedisi*, İslam Âlemi Tarih, Coğrafya, Etnografya ve Biyografya Lugati, C 6, İstanbul, 1993; Vladimir Fedorov-ovick Minorsky, (b. 1877, d. 1966), "Jihan-Shah Qara-Qoyunlu and His Poetry", *Turkmenica*, 9, Bulletin of School of Oriental and African Studies, University of London, Vol. 16, No. 2 (1954), p 271-297.
 ۱۹. نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین؛ خواندمیر [خان دمیرا]، حبیب‌الشری، ج ۴، صفحات ۴۰۸-۴۱۴؛ مدرس تبریزی، ریحانة الأدب، ج ۲، ص ۵۵۸.
 ۲۰. سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۳۰۰-۳۰۱، ج ۴، ص ۲۴۹ و ج ۱۷، ص ۲۴۹. به نقل از تذکره سمرقندی، طبع لیدن، ص ۵۴۷.

«حسنعلی میرزا بن جهان‌شاه» در سال ۸۷۳ هـ / ۱۴۶۸ م پایان می‌یابد.^۵

پس از مرگ امیر تیمور گورکانی، امیر قره‌یوسف مؤسس سلسله قره‌قویونلو (پدر جهان‌شاه) به آذربایجان حمله می‌برد و میرانشاه^۶ (پسر تیمور) را در نزدیکی تبریز (سردری) شکست داده و «سلطان احمد جلایری» را نیز مغلوب کرده و در تبریز مستقر می‌شود. پس از مدتی قره‌یوسف به مقابله با شاه‌رخ پسر دیگر تیمور گورکانی می‌رفت که در روستای «سید آوا» در نزدیکی تبریز فوت می‌کند.^۷

پس از آن یکی دیگر از پسران امیر قره‌یوسف به نام اسکندر زمام امور را در آذربایجان و دیگر مناطق تحت امر به دست می‌گیرد، ولی طولی نمی‌کشد که اسکندر، در قلعه «النجق» نزدیکی «صوفیان»، «چله‌خانه» و «مَرند» امروز به دست پسرش قباد گشته می‌شود. در نتیجه حکومت آذربایجان و قسمت‌هایی از شمال غربی و مرکزی ایران به «جهان‌شاه قره‌قویونلو» می‌رسد. رفته رفته کار جهان‌شاه بالا گرفته و در سال ۸۴۴ هـ / ۱۴۳۸ م بر همه گرجستان استیلا یافته و در سال ۸۵۶ هـ / ۱۴۵۰ م عراق عجم را به حکومت خود اضافه و شهر «اصفهان» را تصرف می‌کند و در روز نیمه شعبان و مصادف با ولادت حضرت مهدی^{عج} (۸۶۲ هـ / ۱۴۵۷ م) در شهر هرات، مرکز اقتدار و عظمت تیموریان به تخت می‌نشیند.^{۸-۹}

□ □ □

جهان‌شاه قره‌قویونلو^{۱۰}

نویان^{۱۱-۱۲} ابوالمظفر جهان‌شاه بن قراقیوسف بن تورموش خان^{۱۳} بایرام خوجا

منابع تولد او را در (۸۰۸ هـ / ۱۴۰۵) در مدرسه‌ای در شهر ماردین ترکیه ذکر شده است. (رک به: طهرانی، ج ۱، ص ۵۷؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳ ش، ص ۲۵۰؛ نویدی، ص ۵۵۷؛ تاریخ قزلباشان، ص ۲۳؛ احمد ذده لطف‌الله منجم‌باشی، نویسنده صحائف الأخبار، (نسخه خطی ترکی)، ج ۱، گ ۳۴۶ ب به صواب نزدیک تراست. به نقل از رضا رضازاده لنگرودی، با تغییر، تصحیح و اضافات مجدد).

۵. برتولد اشپولر، کلیفورد ادموند، بازررت، فاروق سومر، کلود کاهن و ولادیمیر مینورسکی، ترکان در ایران.

۶. حروفیه در نوشته‌ها و کتاب‌های خود، «میرانشاه» را «مارانشاه» خطاب می‌کردند.

۷. وفات میریوسف شاه تبریز کتابت شد به تاریخ کتابت (۸۲۳ هـ) / (۱۴۲۰ م)

۸. ابوبکر طهرانی، دیار بکر، به کوشش: نجاتی لوغال، فاروق سومر، ص ۱۲۵.

9. The clan of the Qara-qoyunlu rulers, in *F. Koprulu Armaganı*, 1953, p 391-5.

۱۰. جهان‌شاه بن قره‌یوسف بن قره محمد بن بیرام خواجه ترکمانی قتل سنة ۸۷۲ و عمره ۷۰ سنة. هومن طائفة ترکمانیه تسمى قره‌قویونلو کانت لها دولة ظهرت ایام استیلاء تیمور لنگ علی قسم من شمال ایران والعراق سنة ۸۷۲ فاستولت علی آذربایجان، والعراق العربی زهاء ۶۶ سنة وهنالك طائفة اخرى ترکمانیه آق قویونلو. فی دایرة المعارف الاسلامیه آق قویونلو معناه قبيلة القطیع الأبيض. وعلیه قره‌قویونلو معناه قبيلة القطیع الأسود وفي الدائرة أيضا ان طائفة آق قویونلو حارب امراؤها القوه قویونلو. واستند صاحب مجالس المؤمنین علی تشیع طائفة قره‌قویونلو بما کان منقوشا علی خواتیم آرایش بیکم و ارداد سلطان ابنی اسکندر بن قراقیوسف و بوداغ ابن المترجم و اسفند بن قراقیوسف عن تذکره السمرقندی، ص ۴۵۷ طبع برلین. سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۳۰۰-۳۰۱، ج ۴، ص ۲۴۹ و ج ۱۷، ص ۲۹۴، ۱۷، ۲۹۴.

۱۱. در زبان ترکی «نویان» به معنی شاهزاده است. برای اطلاع بیشتر رک به: دیوان لغات الثرک، [تورک] محمود [بن حسین] کاشغری، ترجمه محمود دبیرسیاقی.

12. Mahmüt, b. Husayn Kāshgharī, *Divānu Lūgati-t-Türk Tercümesi*, tr. Besim Atalay, Ankara, 1985-1986.

۱۳. اصل دست‌نوشته این کلمه «دورموش خان» است، ولی برخی از کاتبان در زمان استنساخ



قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین درباره تشیع قره‌قویونلوها می‌نویسد: «مخفی نماند که جمیع سلاطین این طایفه علیه و بلکه سایر مخدرات ایشان شیعه با اخلاص خاندان بوده‌اند» و در ادامه برای اثبات تشیع آنها از نقوش نگین انگشتری دختران اسکندر (برادرزادگان جهان‌شاه)، آرایش بیگوم، اردوک سلطان [آردیک سلطان] (شاه‌سارای) و پیربوداق^{۲۸} شاهد مثال می‌آورد:

در مشغله دنیا در معرکه محشر
از آل علی گوید «آرایش» اسکندر

□ □ □

بود از جان محبت آل حیدر
«اردوک سلطان»^{۲۹} بنت شه اسکندر

□ □ □

نامم «بوداق» بنده با داغ حیدرم
هرجاشهی ست در همه عالم، غلام ماست^{۳۰}

□ □ □

ملا محمد امین حشری تبریزی در روضه الأظهر درباره درج عبارت «علی ولی الله» در «عمارت مظفریه» مطلب جالبی را ذکر کرده و می‌نویسد: «زمانی که به جهان‌شاه خبر آوردند شاه حسین ولی از شیوخ و عرفای نامی و شیعه تبریز در مناظره با علمای اهل سنت حقایق و ولایت علی (ع) را اثبات و آنها را قانع نموده، جهان‌شاه دستور می‌دهد تا به دلیل یتیم، تبرک و پیروزی در این مناظره عبارت: «علی ولی الله» را در «دارالضیافه عمارت مظفریه» با خط زر مذهب کنند»^{۳۱}.

یکی دیگر از دلایل تشیع خاندان قره‌قویونلو نامه‌ای است که امیر قره‌یوسف (پدر جهان‌شاه) به شاهرخ تیموری می‌نویسد و در آن مکتوب،

یورش‌های تیموری نیز آنها را یاری می‌داده‌اند.^{۳۱}

درباره تشیع قره‌قویونلوها می‌توان به این مطلب اشاره کرد که جهان‌شاه در سال (۸۶۱ هـ / ۱۴۵۷ م) شهر «هرات» مرکز قدرت و نماد عظمت تیموریان اهل سنت را می‌گشاید، ولی زمان به تخت نشست رسمی را چندین ماه به تعویق می‌اندازد و تا روز ولادت حضرت مهدی، «عج» در پانزدهم شعبان ۸۶۲ هـ / ۱۴۵۸ م صبر می‌نماید و این روز را به دلیل احترام، تعلق خاطر و یتیم و تبرک یوم‌السعد انتخاب می‌کند. پرواضح است که روز نیمه شعبان تنها در بین شیعیان روز خوش‌یمن و متبرکی است. به هر روی از این فراز می‌توان به تشیع قره‌قویونلوها پی برد. نیز از دو سکه ضرب شده این دوران با عنوان «علی ولی الله» در بغداد هم می‌توان دریافت که قره‌قویونلوها پیرو مکتب اهل بیت^{۳۲} بوده‌اند.^{۳۲} نیز ابیات بسیاری مانند بیت زیر از اشعار جهان‌شاه قره‌قویونلو است نشان‌دهنده تشیع اوست:

پروانه شد «حقیقی»^{۳۳} بی شمع جناب شاه

غیر از جناب شاه [علی]^{۳۴} نباشد پناه ما^{۳۴}

به نظر می‌رسد تنها با همین یک بیت از اشعار جهان‌شاه می‌توان به تشیع قره‌قویونلوها پی برد. از این‌گونه اشعار ترکی و فارسی در دیوان جهان‌شاه به وفور می‌توان یافت.^{۳۵} یکی دیگر از دلایل تشیع قره‌قویونلوها این است که حدود پنجاه سال پس از فروپاشی این سلسله و مرگ جهان‌شاه، یکی از نوادگان وی به نام سلطان قلی / قطب‌شاه، توانست اولین حکومت رسمی شیعی را در منطقه حیدرآباد دکن هندوستان با نام «قطب‌شاهیان» پایه‌ریزی کند که حدود دو قرن در مناطق وسیعی از هند حکومت کردند.^{۳۶-۳۷}

۲۱. ابوبکر طهرانی، دیاربکر، به کوشش نجاتی لوغال، فاروق سومر، ص ۲۲۹.

۲۲. احمد غازی السامرائی، تاریخ النقود العراقية، ص ۸۰.

۲۳. جهان‌شاه قره‌قویونلو در تاریخ ادبیات ترکی و فارسی با تخلص «حقیقی» / «حقیقت» شناخته می‌شود.

24. Vladimir Fedorovick Minorsky, "The Qara-Qoyunlu And The Qutb-Shahs", Bulletin of School of Oriental and African Studies (BSOAS), volum 17, p 70, London, 1955, p 271-297.

۲۵. دیوان میرزا جهان‌شاه حقیقی فارسی-ترکی، براساس نسخه دستنویس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، (شعر ترکی و فارسی، قرن ۹ هـ) تهران: فیروزان؛ دیوان تورکی جهان‌شاه حقیقی، تدوین و تصحیح کریمی، محمدرضا، انتشارات پینار، کرج ۱۳۸۹؛

HÜSEYNZADƏ, Lətif, *Haqiqi Şe'rlər, Kitabın tartibi və şərhləri filoloji elmlər namizadi*, Hayastan nəşriyyatı, Yerevan, 1966; RƏHİMOV, Əbülfəz, HÜSEYNZADƏ, Lətif, ƏLİYEV, Məil, *Cahanşah Haqiqi, seçilmiş əsərləri*, Tartib, müqədimə və lüğətin müəllifləri, Yazıçı, Bakı, 1986; MACİT, Muhsin, *Karakoyunlu Hükümdarı Cihānşāh və Türkcə Şiirleri*, Ankara, 2002; DEMİRCİ, Jale, *Cihānşāh Hakiki Divanı*, İnceleme-Metin-Dizin, Köksav Yay, Ankara, 2001; DEĞİRMENÇAY, Veyis, *Karakoyunlu Hükümdarı Cihānşāh və Farsça Şiirleri (Divanı Hakiki)*, Erzurum, 2004; *Karakoyunlu Hükümdarı Cihānşāh, Farsça Şiirleri (Divanı Hakiki)*, çev: Veyis Değirmençay, Erzurum, 2004.

۲۶. محمد قاسم هندو شاه استرآبادی، تاریخ فرشته، (گلشن ابراهیمی)، ص ۸۵.

27. Vladimir Fedorovick Minorsky, "The Qara-Qoyunlu And The Qutb-Shahs", Bulletin of School of Oriental and African Studies (BSOAS), volum 17, p 70, London,

1955, P 271-297.

۲۸. ابوالفتح میرزا (ذیقعد ۸۷۰ / ژوئن ۱۴۶۶) مقلب به عضدالدوله والدين پسر ارشد جهان‌شاه در زمان حیات پدر حاکمیت فارس و بغداد را به صورت مستقل اداره می‌کرد. اولین تاریخی که می‌توان از ورود وی به عرصه سیاست در نوشته‌های تاریخی دنبال کرد سال ۸۵۲ هـ / ۱۴۴۸ م است که از سوی پدرش به حکومت بغداد می‌رسد. رک به: غیائی، ج ۵، صص ۲۸۸ و ۳۰۵.

۲۹. صورت قیاسی این عبارت [آردیک سلطان] است.

۳۰. نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، صص ۳۷۰ و ۵۸۲.

۳۱. ملا محمد امین حشری تبریزی، روضه الأظهر، ص ۶۱.

پیروانش روزبه‌روز در میان مردمان بیشتر می‌شد، دشمنی و تنفر بزرگان اهل سنت و جماعت را علیه وی برانگیخته بود. روی همین اصل است که ابوبکر طهرانی، مؤلف دیار بکر^{۳۸} و احمد دکه لطف‌الله منجم‌باشی نویسنده صحائف الأخبار^{۳۹} (نسخه خطی ترکی) به زعم خودشان او را پادشاهی بدسیرت، ستمگر، خوشگذران و متمایل به کفر و رفض و الحاد که احکام شریعت «اهل سنت و جماعت» را مراعات نمی‌کرد یاد می‌کنند!

داوری مورخان درباره جهان‌شاه مختلف است. از آن جمله به نظر نویسندگان تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم، جهان‌شاه فرمانروایی قدرتمند، تحصیل‌کرده و مهربان و حامی ادب و هنر یاد می‌نمایند.^{۴۰} به گفته ناسخ دیوان جهان‌شاه، قنبرعلی بن خسرو اصفهانی، جهان‌شاه «سلطان العارفين»، «افتخار السلاطين» و «زبدة العادلین» است. همچنین دولت‌شاه سمرقندی نیز در خصوص اعتقاد جهان‌شاه، به زعم خودش نوشته است: «فضلا بر آنند که در روزگار اسلام، بد اعتقادتر از او پادشاهی ظاهر نشده است».^{۴۱} نیز ابوبکر طهرانی در مورد پیروان می‌نویسد: «جمعی از ملاحده [شیعیان!] به مصاحبت او افتاده، طعن بر شرع و دین می‌زنند».^{۴۲}

حافظ ابروهم در زبدة التواریخ بایسنقری و فضل‌الله روزبهان خنجی در تاریخ عالم آرای امینی درباره قراقویونلوها نظرات مشابهی ارائه کرده و می‌نویسند: «رسوم محدث و اختراعات غیرمشروع که در زمان امیرقره یوسف احداث کرده بودند...»^{۴۳} «قره قویونلوها با بدعت خود، آتش جهنم را به جان خریدند».^{۴۴} نیز ابن تغری بردی از مورخان عرب و هم عصر قره قویونلوها در کتاب المنهل الصافی والمستوفی بعد الوافی جهان‌شاه را به کفر مایل به رفض و بی‌اعتنا به احکام الهی متهم نموده است.^{۴۵}

۳۸. ابوبکر طهرانی، دیاربکر، به کوشش: نجاتی لوغال، فاروق سومر، ص ۲۵۳.

۳۹. احمد دکه لطف‌الله منجم‌باشی، صحائف الأخبار، (نسخه خطی ترکی).

۴۰. پیگولوسکایا و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم، ص ۱۲۸.

۴۱. دولت‌شاه سمرقندی، تذکرة الشعراء، ص ۹۷؛ به نقل از «تشیع قراقویونلوها»، سید مسعود شاهرمدی، اصغر منتظرالقائم، پژوهش‌های تاریخی، ص ۵۷.

۴۲. ابوبکر طهرانی، دیاربکر، به کوشش: نجاتی لوغال، فاروق سومر، ص ۳۷۱.

۴۳. حافظ ابرو، زبدة التواریخ بایسنقری، ص ۷۳۹.

۴۴. فضل‌الله روزبهان خنجی، عالم آرای امینی، ص ۲۱؛ به نقل از «تشیع قراقویونلوها»، سید مسعود شاهرمدی، اصغر منتظرالقائم، پژوهش‌های تاریخی، ص ۵۷.

۴۵. یوسف بن تغری بردی، المنهل الصافی والمستوفی بعد الوافی، مائة «جهان‌شاه»؛ همو، منتخبات من حوادث الدهور فی مدى الأيام و الشهور، چاپ ویلیام پوپر، برکلی و لوس آنجلس، ۱۹۳۰-۱۹۴۲؛ همو، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، قاهره، ۱۳۸۳ هـ؛ بوداق منشی قزوینی، جواهر الأخبار، بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا (سال ۹۸۴ هـ، چاپ محسن بهرام‌نژاد، تهران، ۱۳۷۸ ش؛ تاریخ قزلباشان، چاپ میرهاشم محدث، تهران، بهنام، ۱۳۶۱ ش؛ احمدین نصرالله تتوی و همکاران، تاریخ الفی؛ تاریخ هزار ساله اسلام، چاپ غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، ۱۳۸۲ ش؛ عبدالله بن لطف‌الله حافظ ابرو، زبدة التواریخ، چاپ کمال حاج سیدجوادی،

درباره تشیع قره قویونلوها

می‌توان به این مطلب اشاره کرد

که جهان‌شاه در سال (۸۶۱ هـ /

۱۴۵۷م) شهر «هرات» مرکز

قدرت و نماد عظمت تیموریان

اهل سنت را می‌گشاید، ولی

زمان به تخت‌نشستن رسمی را

چندین ماه به تعویق می‌اندازد و تا

روز ولادت حضرت مهدی، «عج»

در پانزدهم شعبان ۸۶۲ هـ /

۱۴۵۸م صبر می‌نماید.

زیارت امام رضا(ع) را آرزو کرده و می‌نگارد: «مرقد مقدّس معطر آن راهنمای دولت و پیشوای امت، خاک آن تربت عالیّه زُبت، که غالبه طُره طهارت، و مُشکِ نافه عصمت است و...»^{۳۲}.

همچنین فاروق سومر به نقل از عبدالله الودود بن عبدالله محمود نیشابوری نویسنده تاریخ ترکمانیه همه منتسبان خاندان قره قویونلو را شیعه مذهب ذکر می‌کند^{۳۳} و نیز صاحب الضوء اللاح لاهل القرن التاسع، پیروان پسر جهان‌شاه را یک مؤمن واقعی شیعه معرفی می‌کند.^{۳۴}

از دیگر نشانه‌های تشیع این خاندان، می‌توان به اقدامات «اسپند میرزا» برادر دیگر جهان‌شاه، فرمانروای عراق عرب، بین‌النهرین و بغداد اشاره

کرد که شیعه اثنی عشری را مذهب رسمی بین‌النهرین و عراق عرب شاملات قرار داد و خطبه را به نام امامان و سکه به نام ائمه معصومین^{۳۵} ضرب کرد.^{۳۵} همچنین بنا به نوشته دیگر مورخان از جمله خواند میر[خان‌دمیر] در جلد چهارم حبیب‌التسیر، جهان‌شاه پادشاهی شیعی مذهب و از حامیان او به شمار می‌رود که میل بسیاری به آبادانی داشت. وی ابنیه بسیار عالی ساخت که از جمله آنها عمارت المظفریه [گوی میچید]^{۳۶} تبریز است که قسمت‌هایی از آن تا کنون باقی مانده است.^{۳۷}



همچنین گفتمنی است که پیروی جهان‌شاه از مذهب اهل بیت (ع) که

۳۲. عبدالحسین نوایی، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل، ص ۱۶۹. به نقل از «تشیع قراقویونلوها»، سید مسعود شاهرمدی و اصغر منتظرالقائم، پژوهش‌های تاریخی، ص ۵۸.

۳۳. فاروق سومر، قراقویونلوها، ترجمه وهاب ولی، ص ۱۳-۱۲.

۳۴. شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی، الضوء اللاح لاهل القرن التاسع، ص ۲.

۳۵. نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ۸۰، ج ۲، ص ۳۷۰؛ میرزا محمد باقر خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۱، ص ۷۳؛ شمس‌العلماء، عبدالوهاب قزوینی، ابوالفضل ساوجی و حسن طالقانی، نامه دانشوران، ج ۱، ص ۳۷۵-۳۷۴؛ محمد علی مدرس خیابانی تبریزی، ریحانة الأدب، ج ۸، ص ۱۴۶ و احمد غازی السامرائی، تاریخ النقود العراقية، ص ۸۰.

۳۶. صورت نوشتاری این واژه بر اساس اصول کتابت قیاسی است.

۳۷. خواند میر[خان‌دمیر]، حبیب‌التسیر، جلد چهارم، صفحه ۴۲۳-۴۲۴.



در آخرین صفحه این فرمان، عبارت: «من عدل ملک - جهان‌شاه - من ظلم هلك»، به عنوان سجع و تمغای جهان‌شاه مختم شده است. [۸۶۷ هـ / ۱۴۶۳ م].

همچنین عبدالرزاق سمرقندی در کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین می‌نویسند: «جهان‌شاه مردی شاعر، هنردوست و در شعر «حقیقی» تخلص می‌کرد. در زمان او شهرتیریز رونقی به خود گرفت. او بناهای اعلائی در این شهر بنا نمود که یکی از آنها «عمارت مظفریه» است.^{۴۹} حافظ حسین کربلایی تبریزی نویسنده روضات الجنان و جنات الجنان درباره «جهان‌شاه قراقویونلو» و عمارت «مدرسه و مسجد مظفریه» چنین می‌گوید: «یکی از مآثر ابوالمظفر جهان‌شاه، پادشاه بن قارا یوسف، عمارت مظفریه در شهر تبریز، به سعی و اهتمام خرم وی، (همسر جهان‌شاه) «خاتون جهان بیگوم» - انار الله برهانها - بنا شده است.^{۵۰}

گفتنی است که تا تاریخ ذکر شده این اولین مسجد بنا شده در منطقه است که در دیواره‌ها، شبستان و رواق‌های آن نام امام علی^(ع) به صورت «علی ولی الله» و «حسنین^(ع)» با اشکال مختلف آمده و هنگام ورود از درب اصلی مسجد، اسامی خلفا با خط ثلث تزئینی ساخته شده و زینت یافته است.^{۵۱}

شهاب، «سجع مهر سلاطین و شاهزادگان و صدور ایران»، وحید، ش ۲۰، مرداد ۱۳۴۴ ص ۴۱-۴۹. (لازم به توضیح است که انتشار اولیه این تویع در مقاله، ترجمه و کتاب‌های یاد شده فوق، با اغلاط، خلط‌ها و سقط‌هایی استنساخ و به طبع رسیده است. برای مثال در صفحه اول کلمات: «بهاذرو» به معنای «پیروز» به خطا «جادرو» و «شوموز» که به معنای سلاله و نسل است، اشتباهاً در همه نوشته‌جات به صورت «شوزمیز» به معنای «حرف ما ضبط شده است و...» گفتنی است که اصل دست‌نوشته این تویع، متعلق به خاندان جهان‌شاهی (محمدشفیق جهان‌شاهی) از قضات سابق دیوان کشور است. برای اطلاع بیشتر رک به: «سفرنامه قم»، افضل الملک، ۱۵۰-۱۵۲، چاپ انتشارات وحید، تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۹، ص ۱۱۹-۱۲۲؛ ادوارد براون، از سعدی تا جامی، ص ۵۶۹-۵۶۸، ج دوم؛ عبدالحسین نوایی، اسناد و مکاتبات تاریخی، ص ۴۷۹؛ سیدحسین مدرسی طباطبایی، قم در قرن نهم هجری، ص ۲۷۰-۲۷۲، حکمت، ۱۳۵۰؛ علی اصغر ققیی، تاریخ مذهبی قم، اسماعیلیان، ۱۳۵۰ ش، ص ۱۸۰؛ ک. پ. کوستیکیان، فراهمین فارسی ماتناداران، ج ۱، [شامل بیست و سه فرمان از تاریخ ۸۵۳ هـ / ۱۴۴۹ م تا ۱۰۰۳ هـ / ۱۵۹۴ م]، ص ۲۴۸-۲۴۹، ایروان، ۱۹۵۶ م.

۴۹. عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به کوشش: عبدالحسین نوایی، ج دوم، جزء سوم، صفحه ۱۳۲.

۵۰. حافظ حسین کربلایی تبریزی، روضات الجنان و جنات الجنان، به کوشش: جعفر سلطان القرایی، ج ۱، ص ۲۵۴.

۵۱. برای اطلاع بیشتر از تاریخچه و وضع کنونی این مسجد، رک به: نادر میرزا، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، مقاله مرحوم حاج حسین نخجوانی در نشریه دانشکده ادبیات تبریز؛ حاج حسین نخجوانی، چهل مقاله، به کوشش: یوسف خادم هاشمی نسب؛ نقشها و نگاه‌های مسجد کبود، سیدجمال ترابی طباطبایی؛ راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی، اسماعیل

مستندترین مدرک موجود و از نشانه‌های غیرقابل انکار اثبات تشیع خاندان قره‌قویونلو، فرمانی است که توسط جهان‌شاه برای نقیب السادات قم، سید نظام الدین احمد، از بزرگان سادات رضوی، متولی باشی موقوفه آستان مقدس حضرت معصومه^(س) و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری^(ع) نوشته و ارسال شده است. مطلع و متن این فرمان ۴۲ سطر این چنین آغاز می‌شود: «بِالْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ الْأَحَدِيَّةِ وَالْقُوَّةِ الشَّامِلَةِ الْأَحْمَدِيَّةِ ابُوالمظفر جهان‌شاه بهادر شوومز»^{۴۶} بر مقتضی کلام ربانی و تنزیل سبحانی عزوجل حيث قال قل لا اسئلكم عليه اجراً الا المودة فى القربى وفحوى حديث سيد الرسل وهادى السبل تركت فيكم الثقلين كتاب الله وعترتى تعظيم واکرام و توقیر و احترام سادات عظام که نور حدقه لولاک و نور حدیقه و ما ارسلناک اند موجب فوز و نجات دارین و سبب رفع درجات منزلت تواند بود خاصه نسبت به طائفه که صیت طهارت نسب ایشان در اقطار و اکناف بل من القاف الی القاف چون نور خورشید عالم‌گیر و در بسط غیراً ورد زبان صغیر و کبیر است و صحت انتساب سادات رضویه با حضرت سید کونین و خواجه ثقلین محمد الامی العربی الهاشمی الابطحی علیه من الصلوة افضلها و من التحية اكملها... سابع عشرین جمادى الاولى سنة سبع وستین وثمانمائه... (بنده درگاه قاسم پروانجی)^{۴۷-۴۸}

تهران، ۱۳۸۰ ش؛ خواندمیر [خان‌دمیر]؛ خورشاه بن قباد، تاریخ ایلچی نظام‌شاه، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۴۲۲۳؛ دولتشاه سمرقندی، کتاب تذکره الشعراء، چاپ ادوارد براون، لیدن، ۱۳۱۸ ش / ۱۹۰۱ م؛ حسن روملو، أحسن التواریخ، عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۸۴ ش.

۴۶. در صفحه نخست فرمان که از کلمه «بِالْقُدْرَةِ» تا کلمه «شوومز» ختم می‌شود، به خط زر مذهب شده که رونوشت آن در سطور بالا درج شده است.

47. K. P. Kostikyan, *Persian Documents Of The Matenadaran*, National Academy Of Sciences Republic Of Armenia Institute Of Oriental Studies, Decrees, vol, 1, (1449-1594), Yerevan, 1956; Heribert Busse, *Untersuchungen Zum Islamischen Kanzleiwesen*, "Deutschen Archaologischen Instituts kairo", *Islamische Reihe*, Band 7) Kairo, 1959, p. 149-150; Jean Aubin, "Note sur puelpues documents Ap-Qounlu", *Archives Persanes Commentees*, 1, Melanges Louis Massignon Danas, 1965, Vol, 1, 11; *ibid*, "Un soyrghal Qara-Qoyunlu", *Concernant le Buluk De Bawanat-Harat Marwast*, *Archives Persanes Commentees*, 3, Document, from, Islamic Chanceries, Oxford, 1965, pp. 159-170, 236-245; Tovma Metsopets'i, (b. 1378, d. 1446) *History of Tamerlane and His Successors*. in: *The Armenian Weekly, Armenian Medieval Historians in print*, "Three Centuries of Scholarship across across Three Continents", DR. ARA SANJIAN, UNIVERSITY OF MICHIGAN-DEARBORN, September, 1, 2012; *ibid*, *History*, *In 1420, Shah Rukh marched toward Vaspurakan*. The chief of the Black Sheep; *ibid*, *History of Lank-Timur and His Successors (in Arm)*, edition, S. Shahnazarian (Paris, 1860), partial French trans, F. Nève, "Exposé des guerres de Tamerlane et de Schah-Rokh" dans *L'Asie occidentale d'après la chronique arménienne inédite de*; I. P. Petrusévskij, "Vnutrenjaja Politika Ahmeda Ak Koijunlu"; *Izv. Azerb. FAN*, "Sbornik Statei Po istorii Azerbaidžana", 1942/2; G. V. Abgaryan, *Matenadaran*, Hayastani Bedakan Heradarakchootiu, Yerevan 1969, P. 31.

۴۸. برای اطلاع بیشتر رک به: «فرمان جهان‌شاه قره‌قویونلو»، رکن الدین همایون فرخ، بررسی‌های تاریخی، شماره ۳، سال پنجم. به نقل از فرهنگ ایران زمین، ج ۱۸؛ «نکاتی درباره اسناد آق‌قویونلوها»، ژان اوین، ترجمه سرهنگ یحیی شهیدی، بررسی‌های تاریخی، شماره سوم، مرداد و شهریور، ۱۳۵۴، ص ۱۹۷-۲۴۲؛ سیدحسین مدرسی طباطبایی، «هفت فرمان دیگر از پادشاهان ترکمان»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۶۳، خرداد و تیر ۱۳۵۵ ش؛ سیدمحمد طاهری



ت-اوزنییه (۱۰۱۴-۱۱۰۰ هـ / ۱۶۰۵-۱۶۸۹ م) جهانگرد و بازرگان معروف فرانسوی که در (سال ۱۰۵۶ هـ / ۱۶۴۶ م) به آذربایجان سفر کرده، شرح مفصّلی از مسجد جهان‌شاه و کاشی‌های رنگارنگ و گره‌های زیبای آن آمده است. وی در قسمتی از سفرنامه خود چنین می‌نویسد:

در خارج شهر، سرراه اصفهان مسجدی است با بنای عالی که کرسی آن هشت پله از کف زمین معبر بلندتر بوده و در دو طرف نمای رو به شمال دو مناره مانند برج استوانه‌شکل کم‌قطر پوشیده و از کاشی ساخته شده و گنبد بزرگ این مسجد از طرف داخل روی دوازده مجردی بنا شده که شانزده مجردی هم از خارج تکیه‌گاه آن است. سطح داخلی گنبد و دیوارها با زیباترین کاشی‌های الوان مزین گشته که حاوی کتیبه‌هایی از آیات قرآن و گل و بوته‌ها از کاشی‌های فیروزه‌ای و لاجوردی و زرد و غیره است. از این گنبد، داخل گنبد کوچکتری می‌توان رفت که خیلی قشنگ‌تر از اولی است و سطح داخلی آن با کاشی‌های معرق لاجوردی پوشیده شده است. در اطراف محوطه زیر این گنبد، سنگ‌های مرمر بزرگ به دیوار نصب شده که مایه تعجب و حیرت است. سطح خارجی گنبد اول با گلهای سفید زمینه سبز و سطح گنبد دوم با ستاره‌های سفید، روی زمینه سیاه رنگ پوشیده شده است.^{۵۶}

چنین به نظر می‌رسد که ساخت و اجرای بنای «عمارت مظفریه»، به مثابه یادمانی از پیروزی‌های جهان‌شاه در میدان جنگ و نیز در رقابت و قیاس با ابنیه‌های شهر هرات، عمارت و ساخته شده باشد، به طوری که هنگام ورود به مسجد و مقابل دیدگان، سوره مبارکه «فتح» به صورت

۵۶. ژان باتیست تاورنیه، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، به کوشش: حمید شیرانی، ص ۶۷-۶۸؛ جواد سلماسی زاده، «بناهای تاریخی آذربایجان، مسجد کبود»، مجله وحید، شماره یازدهم، دوره دهم، بهمن ۱۳۵۱، شماره پیاپی ۱۱۰.



کتیبه اصلی این مسجد به عرض شصت سانتی متر است که قسمتی از آن به مرور زمان فروریخته، اما آنچه باقی مانده به حدی عالی است که مرحوم حاج حسین نخجوانی، از کتابشناسان و ابنیه‌پژوهان شهیر تبریز در ایران که هزاران نسخه از کتاب‌های خطی، سنگی و چاپی خود را به کتابخانه ملی تبریز اهداء نموده است، در مقاله چاپ شده خود در نشریه دانشکده ادبیات تبریز می‌نویسد: «به هزاران کتیبه می‌ارزد. متن کتیبه بدین صورت درج شده است: ... السلطان الاعظم المطاع الخاقان الاعلم اللازم (الاتباع) ابوالمظفر (سلطان جهان‌شاه) بن شاه یوسف نویان رفع الله العلی الاعلی بدوام خلافته لواء الدین (...). الافاضة میراته مبانی الملک و دعائم قباب الحق المبین آمین».^{۵۷}

مادام ژان دیولافوا به همراه همسرش مارسل اوگوست دیولافوا (۱۲۲۰-۱۲۹۸ ش / ۱۲۵۸-۱۳۳۸ هـ / ۱۸۴۳-۱۹۲۰ م) از جهانگردان فرانسوی در سفرنامه خود درباره اهمیت و زیبایی این عمارت و مسجد می‌نویسد: «بهترین نمونه ابنیه قدیمی تبریز عمارت «مظفریه» است که از قرن پانزدهم میلادی در زمان جهان‌شاه از سلسله قراقویونلوها ساخته شده است ... سنگ فرش مقدّس معبد، دارای اهمیت و عظمت مخصوصی است که با زیبایی و تزیینات درخشان قسمت بالا اختلاف کلی دارد و ضمن الهام، سکون و آرامش قلبی، انسان را وادار می‌کند که بی اختیار در مقابل عظمت این شاهکار بزرگ، سر تعظیم فرود آورد».^{۵۸} اولیاء چلبی در سیاحت نامه^{۵۹} و حاجی خلیفه معروف به «کاتب چلبی» در جهان‌نما،^{۶۰} از جهانگردان معروف تُرک که در سده یازدهم هجری به تبریز سفر کرده‌اند، مسجد جهان‌شاه را یکی از شاهکارهای معماری می‌دانند. همچنین در سفرنامه ژان باتیست

دییاج: آثار باستانی آذربایجان، عبدالعلی کارنگ.

مطلب آخر (نام خلفا) را هنگام ورود از ضلع شمالی مسجد (درب اصلی) در بالای شیبستان کوچک و با راهنمایی و مشایعت آقای مصلحی، از مسئولان «گوی میجد»، در مهرماه سال ۹۲ دیدم.

۵۲. مقاله مرحوم حاج حسین نخجوانی در نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ۱۳۲۸ ش. متن این کتیبه از نوشته مرتضی میرزا ص ۸۱ و نیز از نوشته مرحوم نخجوانی از ص ۵ استنساخ شده است. به نقل از: عبدالعلی کارنگ، آثار باستانی آذربایجان، ص ۲۹۷.

۵۳. با تلخیص و تغییر چند عبارت از سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه: علی محمد فروشی، ص ۵۲-۵۵، طهران: ۱۳۲۲ ش و به نقل از: عبدالعلی کارنگ، آثار باستانی آذربایجان، ص ۲۹۵.

۵۴. اولیاء چلبی، سیاحت نامه، به کوشش احمد جودت، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۸.

۵۵. جهان‌نما (نسخه اول) کتابی است به زبان تُرکی در هیئت و جغرافیا چنان که خود مؤلف در کشف الظنون می‌گوید: این کتاب دو قسمت است: یکی دریاها و صور آنها و جزایر و دیگری خشکی‌ها، اعم از شهرها، نهرها، کوه‌ها، مسالک و ممالک آن. این کتاب به ترتیب حروف هجا و شامل اکتشافات جغرافیائی بعد از سده نهم هجری است. تاریخ تألیف جهان‌نما (سال ۱۰۵۸ هـ / ۱۶۵۸ م) است و «حاجی خلیفه» آن را به نام «سلطان محمد رابع» به نگارش درآورده است. گفتنی است که این کتاب از سوی «مرکز تحقیقات تمدن‌ها» در دانشگاه «باغچه شهیر» در کشور تُرکیه و پس از گذشت (۲۷۹ سال) مجدداً در سال (۲۰۱۰ م) با ویرایش و حرف‌نگاری لاتینی (تُرکی استانبولی) به چاپ دوم رسیده است.

شعر فارسی به خط ثلث زیبا و بدین مضمون نوشته شده است.^{۶۰}

کردار بیار و گردِ گفتار مگرد
چون کرده شود کار بگویند که کرد

گنبد این مسجد یکی از بزرگ‌ترین ابنیه‌های ساخته شده تا این دوران (۸۷۲ هـ / دوازدهم اکتبر ۱۴۶۷م) است، به طوری که تقسیم وزن گنبد بر روی پایه‌های متعدد آن، یکی از ظریف‌ترین نمونه معماری اسلامی -- ایرانی را خلق کرده است. هرچند که سقف آرامگاه و گنبدخانه اصلی مسجد در زلزله سال ۱۱۹۳ هـ / ۱۷۷۹م تبریز تا حدودی از بین رفت و تا سال ۱۳۱۹ ش / ۱۹۴۰م همچنان شکسته و ریخته و زیر خاک مدفون شده بود، اما در همین سال به همت مرحوم محمدعلی خان تربیت و بلدیة شهر تبریز از زیر خاک بیرون آورده شد و با دقت تمام در کنار دیوارها نصب و نگهداری گردید. با همه این احوال این بخش‌های تخریب شده که از مدت‌ها قبل در همه ابعاد ادامه داشت، به همت مرحوم رضا معماران در سال ۱۳۵۲ ش / ۱۹۷۳م بازسازی و مرمت شد و این کار همچنان با حفظ صورت اولیه ساخت عمارت در حال انجام و پیگیری است.

از دیگر آثار برجای مانده از دوره این حکمران ادیب و هنرور، بنای مشهور و تاریخی «درب امام» شهر اصفهان است. در این بنا دو امامزاده به نام‌های ابراهیم طباطبایی از نبیره‌های حسن مثنی و دیگری سید علی، ملقب به زین العابدین از اولاد علی بن جعفر عریضی دفن شده‌اند. کتیبه سردر اصلی این بنا به نام امیرزاده جهان‌شاه است و در تاریخ (۸۵۷ هـ / ۱۴۵۳م) جهان‌شاه را امیر عراق عجم و عرب نشان می‌دهد. این عمارت در زمره ابنیه تاریخی و نفیس دوران ترکان قره‌قویونلو در قرن نهم هجری است.^{۶۱}

۶۰. آغا بزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۹، ق ۱، ص ۲۹۵، ۱۵۶۶: دیوان «حقیقی» للسلطان ابی المظفر المیرزا جهان‌شاه خان بن قرايوسف خان، الجالس علی سریر الملک فی تبریز، خمس و ثلاثین سنة ۳۵ [سال حکومت] الی أن قتل فی (۸۷۲ هـ) و دفن فی الزاویة المظفریة. التي أسس بنیانها فی حیاته المعروفة (کوگ مسجد) [کوی مجید] او... وقد فرغ الدواني، من شرح المياکل فی تلك الزاویة، بعین تلك السنة كما صرح فی آخره ترجمه فی (دجا، ص ۱۲۰) و ذکر آنه ارسل الحقیقی دیوانه الی المولی العارف عبدالرحمن الجامی، فقرظه الجامی بقطعة آخرها. (به صورت پرستان کوی حجاز / ز شاه حقیقی نشان داده باز) و سومی الخمسة من ولد جهان‌شاه احمد حسن علی. وقد آورد تاریخ کوگ مسجد، المعروفة فی «تاریخ تبریز» لنادر میرزا، المطبوع بطهران، و آورد غزلاً «الحقیقی» و فرمانا له فی ترجمة آذینات براون (ج ۳، ص ۲۴۱).

۶۱. حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، تاریخ اصفهان، تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری، ص ۱۲۴: «درب امام»: امامزاده‌ای که جد سادات امامی اصفهان است. در جلوان امامزاده مقبره‌ای است که از گنجینه ممتازی مزین است و از کتیبه آن چنان معلوم می‌شود که آنجا قبر مادر امیر جهان‌شاه قره‌قویونلو است و به کاشی‌کاری‌های نفیس زمان قراقویونلوها مزین است.

**مستندترین مدرک موجود
و از نشانه‌های غیر قابل
انکار اثبات تشیع خاندان
قره‌قویونلو، فرمانی است
که توسط جهان‌شاه برای
نقیب‌السادات قم، سید
نظام‌الدین احمد، از
بزرگان سادات رضوی،
متولی‌باشی موقوفه
آستان مقدس حضرت
معصومه (س) و تولیت
و امامت مسجد امام
حسن عسکری (ع) نوشته
است.**

کامل و به شکل برجسته زینت بخش دور تا دور بالای شبستان بزرگ شده است و نام «جهان‌شاه» در کتیبه بالای در ورودی نقش بسته که پیش‌تر روکشی از طلا داشته است. در متن کتیبه برجسته سردر با شکوه و پرنقش و نگار «عمارت مظفریه» با خوشنویسی هنرمند آذربایجانی «نعمه‌الله بن محمد البواب» خطاط و طراح نقش‌ها مزین شده است.

این عمارت مانند فیروزه‌ای لاجوردی‌رنگ در بین ابنیه‌های جهان اسلام جلوه‌گری می‌نماید. این بنا حاصل تلاش همزمان هنرمندان آذربایجانی مانند عزالدین بن ملک، نعمه‌الله بن البواب، خواجه علی بن عثمان و میر شمس‌الدین تبریزی و با همت و سرکاری «خاتون جهان بیگوم» (همسر جهان‌شاه) ساخته و زینت یافته است که تا امروز به این صورت باقی و پابرجاست. همچنین هنگام ورود از طرف جبهه شرقی در ورودی، عبارتی با کاشیکاری «...

المباركة المظفریة فی اربع ربیع الاول سنة سبعین و ثمانمائة. [۸۷۰ هـ / ۱۴۶۶م] اقل العباد نعمه‌الله بن محمد البواب ...»^{۵۷} دیده می‌شود. همچنین جهان‌شاه و خاتون جهان بیگوم موقوفه‌های بسیاری را برای اداره این عمارت وقف نمودند.^{۵۸}

جلال‌الدین دوانی درباره یکی از وسایل روشنایی مسجد و عمارت مظفریه در شرح هیاکل چنین می‌نویسد: «درست در جنوب مسجد، تخته سنگی خیلی بزرگ، سفید رنگ و شفاف وجود دارد که نور خورشید از آن می‌گذرد، و نور را برای مدتی در خود ذخیره می‌کند، وقتی آفتاب به آن می‌تابد به رنگ سُرخ در می‌یابد، به طوری که بعد از غروب آفتاب و تاریکی شب، برای مدتی، طُلاب با روشنایی و تلالو آن، می‌توانستند کتابها را قرائت، مطالعه و کتابت نمایند».^{۵۹} گفتنی است که اصل نسخه دست‌نوشته در کتابخانه تاشکند ازبکستان موجود است. نیز در ضلع پشت در ورودی به شبستان بزرگ یک بیت

۵۷. نقش‌ها و نگاشته‌های مسجد کبود، سیدجمال‌ترابی طباطبایی: به نقل از هندسه و تناسبات در معماری دوره ترکمانان قویونلو، مجتبی انصاری و احد نژاد ابراهیمی، کتاب ماه علوم و فنون، شهریور ۱۳۸۹. [عبارت «ترکمانان قویونلو» عبارتی نوساخته و دور از ذهن و کاملاً اشتباه است. بهتر است در نوشتن این‌گونه اسامی خاص از عبارات‌هایی مانند ترکان / ترکمانان قره‌قویونلو / آق قویونلو استفاده کنیم]. مؤلف.

۵۸. نمونه‌هایی از دست‌نوشته‌های این وقف‌نامه امروز در کتابخانه سلیمانیه استانبول مضبوط است. رک به:

SÜMER, Faruk, "Kara-Koyunlular", *İslam Ansiklopedisi*, İslam Âlemi Tarih, Coğrafya, Etnografya ve Biyografya Lugati, C 6, İstanbul, 1993; Ibid "Karakoyunlular", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, C 26, İstanbul, 2001.

۵۹. آغا بزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۹، ۱۱۸۷: نسخه خطی کتابخانه تاشکند (ازبکستان)، ش ۱۳۸۶۲: مدرّس خیابانی تبریزی، ریحانة الأدب، ج ۲، ص ۳۳: کتابخانه مراد ثلث، ش ۱۹۳۶.

JIHĀN-SHĀH QARA-QOYUNLU AND HIS POETRY

(TURKMENICA, 9)

By V. MINORSKY

- | | |
|---------------------------------------|--|
| 1. Introduction | 5. The Manuscript Or. 9493 |
| 2. The Qara-qoyunlu | 6. General remarks on <i>Ḥaḡiḡi</i> 's poems |
| 3. Heresies versus Orthodoxy | 7. Their Language |
| 4. Opinions on Jihān-shāh's character | 8. Translations |
- Annex I: Selected Specimens
Annex II: Ghaffārī on the Qara-qoyunlu

§ 1. INTRODUCTION

BEFORE broaching my subject I should like to explain the reason why a serial number has been added to the title of this article. A list of my publications will be found in the *BSOAS*, 1953, xiv/3, pp. 69-81, but as a variety of subjects has interested me during my career, readers may be baffled by the seemingly disconnected array of titles. In fact, my original intention was to integrate my studies in separate books, but on seeing that for both material and personal reasons this plan had no chances of success, I decided to take every opportunity for publishing the material collected—not only to solve some definite problems, but also to show the methods which I would have wished to apply to my subjects, in the light of my experience and the observations made in some more developed fields. This underlying preoccupation is what to my mind connects my writings. On the other hand, I should like to draw the attention of users of my 'specimens' to some particular classes of my studies; in a word, to their serial character.

Here, then, is the list of precursors to my present contribution, sometimes disguised by their titles:—

1. Uzun-Hasan in *Enceyl of Islam* (1932).
2. La Perse au XV^e siècle entre l'Empire Ottoman et Venise, *Société des Etudes iraniennes*, No. 8, Paris, 1933.
3. A civil and military review in Fars in 881/1474, *BSOS*, 1938, x/1, 141-178.
4. The Turkish dialect of the Khalaj, *BSOS*, 1940, x/2, pp. 417-437 (translated into Turkish by F. Güley, *Istanbul Edebiyat fakültesi Türk dili ... dergisi*, 1950, iv/1-2, pp. 82-106).
5. The poetry of Shah Ismā'īl, *BSOS*, 1942, x/4, 1006a-1033a.
6. Aynalı/Isahlı, *Bocznik Orientalistyczny*, Krakow, 1953, xvii, pp. 1-11.
7. The clan of the Qara-qoyunlu rulers, in *F. Köprülü Arşivleri*, 1953, p. 391-5.
8. Thomas of Metsop' on the Timurid-Turkman wars, to appear in Lahore.

As yet nothing seems to have been published on the Br. Mus. manuscript Or. 9493, which contains the bilingual collection of poems of *Ḥaḡiḡi*, i.e. of the Qara-qoyunlu sultan Jihān-shāh (A.D. 1438-1467).¹ Thirty years ago the first announcement of the discovery of the manuscript² quickened the interest of the

¹ Under the influence of the following ð the Persians say now *jāhān* and not *jihān*.

² E. Edwards, 'The books of Sultan Abdul-Hamid', *The Times*, 17 November 1924, p. 17, col. 3.

بیست و ششم آبان ۱۳۰۳ ش / نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۴۳ هـ) که در مجله‌ی تایمزلندن به چاپ رسیده بود، از وجود دیوان جهان‌شاه حقیقی آگاه می‌شود. مینورسکی با سعی و کوشش فراوان نسخه‌ای از دیوان جهان‌شاه را به دست آورده و بر همین اساس مقاله‌ی بسیار دقیق خود را با عنوان «جهان‌شاه قره‌قویونلو و اشعارش»، در بولتن دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، ج ۸۶، ش ۲، ۱۹۵۴ م، ص ۲۷۱-۲۷۹ منتشر می‌کند.^{۶۸} در مقاله‌ی مینورسکی، به تاریخ پیدایش و حکومت قره‌قویونلوها، همراه با منابع و مآخذ و نیز بررسی دیوان اشعار جهان‌شاه با درج چندین غزل و رباعی از زبان اصلی (ترکی و فارسی) همراه با تجزیه و تحلیل آن و با ترجمه‌ی انگلیسی اشاره شده است.^{۶۹}

دیوان جهان‌شاه قره‌قویونلو دارای غزلیات، مثنوی و رباعیاتی به زبان‌های ترکی و فارسی است. از تلمیحات و ابیات عربی موجود در دیوان جهان‌شاه معلوم می‌شود که وی به زبان عربی نیز مسلط بوده است. گفتنی است که قطعاتی از اشعار عربی جهان‌شاه را پژوهشگر عراقی، دکتر علی شاکر علی در مقاله‌ی «العراق والغزو القره‌قویونلوی

۶۸. ترجمه‌ی ترکی استانبولی این مقاله را خانم دکتر مینارول با درج ۶ غزل و ۱۱ رباعی ترکی منتشر کرده است.

69. Ibid; Vladimir Fedorovick Minorsky, (b.1877, d.1966) "Cihansah Qaraqoyunlu Vaonun şe'ri", Bulletin of School of Oriental and African Studies (*BSOAS*), London, 1954, p 271-297.

یکی دیگر از بناهای مهم این دوران، «مسجد عمادی» شهر کاشان است که همواره محل اقامت نماز جمعه و جماعت بوده است و آن را در زمان جهان‌شاه قره‌قویونلو برای خواجه عمادالدین محمود در میدان عمادی کاشان با سنگ و گچ و کاشی مُعَرَّق در کمال امتیاز و استحکام بنا نموده‌اند. این مسجد در (سال ۱۳۱۰ ش / ۱۹۳۴ م) جزء آثار ملی به ثبت رسیده است.^{۶۲}

جهان‌شاه قره‌قویونلو، پادشاهی شاعر

جهان‌شاه قره‌قویونلو استادانه به زبان‌های ترکی و فارسی شعر می‌سرود و «حقیقی / حقیقت» تخلص می‌کرد.^{۶۳} جهان‌شاه از امرای شاعر دو/سه زبانه قرن نهم هجری است. او نیز مانند سلطان حسین بای قرا، امیرعلیشیرنویسی، سلطان احمد جلایری و شاه اسماعیل صفوی [ختایی] از حکمرانان و امرای ادیب و شاعر محسوب می‌شود. پدر جهان‌شاه قره‌یوسف و پسرش آق‌میرزا، متخلص به «بوداق»^{۶۴} نیز از ادیبان بودند. همچنین گفته می‌شود به دستور امیر قره‌یوسف، (پدر جهان‌شاه) برای نخستین بار قرآن مجید به زبان ترکی آذربایجانی ترجمه شده و خود او این ترجمه را همراه با متن عربی قرآن بالحنی خوش می‌خوانده است.^{۶۵}

یوسف صدیق، شاه کامران

خواند قرآن را به ترکی روان^{۶۶}

برخلاف سیمای تاریخی - سیاسی جهان‌شاه قره‌قویونلو، شخصیت ادبی او تا همین اواخر چندان شناخته شده نبود تا اینکه در (سال ۱۳۳۳ ش / ۱۹۵۴ م) خاورپژوه مشهور، پروفیسور ولادیمیر مینورسکی، با مقاله‌ای از «ادواردز با عنوان «اثر سلطان عبدالحمید»»^{۶۷} (هفدهم نوامبر ۱۹۲۴ م

کتیبه به خط نسخ و به اسم «جهان‌شاه خان» ضبط شده است. همچنین رک به: گاهنامه سیدجلال طهرانی، سال ۱۳۱۲ ش: به نقل از لغت‌نامه‌ی دهخدا، مدخل اصفهان. گفتنی است که یکی از ملاک‌های تشییع افراد، تدفین در عتبات مقدسه و در کنار قبور امامان^{۷۰} یا امامزادگان است).

۶۲. عبدالرحیم کلاتر ضرابی، سهیل کاشانی، تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، ص ۵۰۷؛ حسین شهشهانی، مقاله «خلاصه‌ی وقف‌نامه‌ی مسجد میرعماد کاشان و فرمان‌های سلاطین که در آن باقی مانده است»، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۹ ش، ج ۵، ص ۲۲-۵۰.

۶۳. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۶۴. همان، ص ۴۶۴.

۶۵. به نظر استاد و مترجم قرآن مجید، دکتر میرزه رسول اسماعیل‌زاده دوزال، اولین ترجمه‌ی ترکی آذربایجانی به دستور اوزون حسن آق‌قویونلو در قرن نهم هجری انجام گرفته است. این ترجمه در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی در شهر مشهد نگهداری می‌شود. برای اطلاع بیشتر رک به: نشریه تخصصی مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی «مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی»، ترجمان وحی، سال اول، شماره یک، ص ۶۱، مقاله: «نگاهی به ترجمه‌های آذربایجانی قرآن کریم»، رسول اسماعیل‌زاده. نیز رک به: همان، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، ص ۲۷، مقاله «گذری بر تاریخ ترجمه و تفسیرهای ترکی قرآن مجید»، مهدی اللهیاری تبریزی.

66. Vladimir Fedorovick Minorsky, "Jihan-Shah Qara-Qoyunlu and His Poetry", *Turkmenica*, 9, Bulletin of School of Oriental and African Studies, University of London, Vol. 16, No. 2 (1954), p. 277.

67. E. Edwards, "The books of Sultan Abdul-Hamid", *The Times*, 17 November 1924, p. 17, col. 5.

القرن الخامس عشر الميلادی» آورده و به طبع رسانده است.^{۷۰}

افزون بر خود جهان‌شاه قره‌قویونلو، فرزندان و منسوبان او نیز از شعر و شاعری بی‌نصیب نبوده‌اند. پسرش پیروباقد (حاکم شیراز و بغداد)، آرایش بیگوم و آردوک سلطان [آردیک سولطان] (شاه‌سارای) و دختران برادر او (شاه اسکندر) شاعر بودند. حتی در زمان نادرشاه افشار، شاعری به نام عبدالرزاق تبریزی جهان‌شاهی، متخلص به نشسته^{۷۱} - ملک الشعراي دولت افشاری - از احفاد جهان‌شاه قره‌قویونلو بود که به فرمان نادر شاه افشار و به مناسبت مذهب نمودن گنبد حضرت علی^(ع) و نصب بر سردر حرم در نجف اشرف شعری به زبان ترکی سروده است.^{۷۲} نسخه‌هایی از دیوان عبدالرزاق تبریزی جهان‌شاهی در کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره ۲۹۳۵ و نیز در کتابخانه ملی تبریز، به شماره ۲۶۲۶ نگهداری می‌شود.^{۷۳}

اشعار ترکی جهان‌شاه

جهان‌شاه قره‌قویونلو در تاریخ ادبیات ترکی و فارسی با تخلص «حقیقی» شناخته می‌شود. وی بهترین و عالی‌ترین اشعار ترکی کلاسیک آذربایجان را خلق کرده و جایگاه بسیار ممتازی در تاریخ ادبیات ترکی آذربایجانی را دارد. جهان‌شاه از اعظم ادیبان ترکی آذربایجانی و در ردیف شعری چون: نسیمی، فضولی و شاه اسماعیل صفوی (ختایی) و دیگر بزرگان ادیب زبان ترکی است.^{۷۴}

اشعار فارسی جهان‌شاه

۷۰. المورخ العربی، ۱۹۸۶، العدد ۲۸، «العراق والغزو القره‌قویونلو فی القرن الخامس عشر المیلادی»، کلیة الآداب، قسم التاريخ، علی شاکر علی، ص ۳۸-۴۴.
۷۱. سخنوران آذربایجان از قطران تا شهریار، سخنوران تبریز، ص ۶۹۰.
۷۲. شه جم حشمت دارا درایت، نادر دوران / که تخت دولت جمشیده وارث دتر جهان اوزره / بدخشان لعل و عمان اینجی سین وئومیش خراجیندا / گوش تک حکمو نافذ، متصل دریا و کان اوزره / چکیلمز کهکشانی بایی تک نقاش اگر چکسین / مثال قوت بازو اقبالین کمان اوزره / بلند اقبال اولان، اعدالزین دا سر بلند ائیلهر / مکرر ائیله میش دشمنلرین باشن سننان اوزره / عیار خالص کانینی، اندیدیرگون کیمی روشن / قضا جریان اندیب، فرمان کمال عزو شأن اوزره / کی لازمدر علی نین [ع] روضه پاکین طلا اتمک / منور دیر مقام مهر دام آسمان اوزره / زهی نام همایون، کیم بازاندا کاتب قدرت / گزگ نغرا «بسم الله» چکسین لر نشان اوزره و ... بیت آخر: جوانیم «نشسته» اولدو مصرع تاریخ تماماً / ادب بیل مهر ساکن دورا مطاف انس و جان اوزره. [ماده تاریخ؟]

۷۳. برای اطلاع بیشتر، رک به: تذکره الشعراي دولتشاه سمرقندی، ص ۴۵۷-۴۶۲؛ روضه السلاطین، ص ۶۶-۶۷؛ مأثور جمعی، ج ۱، ص ۳۳-۴۱؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ ریحانة الأدب، ج ۱، ص ۳۳۳؛ فرهنگ سخنوران، ص ۱۶۹؛ به نقل از سخنوران آذربایجان از قطران تا شهریار؛ تذکره الشعراي آذربایجان، ص ۱۷۵؛ آغاز بزرگ طهراني، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۹، ص ۱۱۸۷.

۷۴. حسین فیض‌اللهی وحید، دیوان نسیمی؛ محمدامین صدیقی، دیوان حکیم فضولی؛ میرزه رسول اسماعیل‌زاده دوزال، دیوان شاه اسماعیل صفوی (ختایی).

همان طور که در اشعار جهان‌شاه می‌خوانیم، جهان‌شاه پایداری حکومت خود را در جهان‌گشایی و بسط فروانروایی نمی‌داند، به طوری که همزمان برای ادامه حیات سیاسی و حاکمیت خود، از ادیبان و فرهیختگان زمان خود نیز حمایت متواضعانه می‌کرده است.

جهان‌شاه برای خلق آثار علمی، فرهنگی و هنری اهمیت ویژه‌ای قائل بود. او به مفاخر و دانشمندان عصر خود احترام و توجه خاصی نشان می‌داد و چنانچه در برخی از منابع و تذکره‌ها آمده، وی با شاعر نامی قرن نهم هجری، عبدالرحمن جامی مراد و مکاتبه داشته و در شعر فارسی او را استاد خویش می‌دانسته است. جهان‌شاه برای نقد و بررسی آثار خود، دیوان اشعار فارسی‌اش را برای ملاحظه و اظهار نظر برای جامی می‌فرستد. جامی هم پس از مطالعه و در مقام سپاسگزاری و تحسین، نامه‌ای منظوم با مطلع: «مهر شاه جهان، جهان‌شاه هست» را سروده و همراه با نسخه‌ای از دیوان اشعار خود برای جهان‌شاه می‌فرستد. جامی در این نامه منظوم، اشعار جهان‌شاه را بسیار ارجدار و پرمایه ارزیابی نموده و دیوان او را خزانه و جهان‌شاه را پادشاه «دانش مآب و عرفان پناه» خوانده است.^{۷۵} پس از این جهان‌شاه برای جامی، دوتُرکمانی (زیباترین خلعت و جامه اشرفی) را همراه با دو هزار دینار به عنوان هدیه و تحفه ارسال می‌کند. جامی نیز با سرودن یک مثنوی بلند و یک رباعی، از خلعت و هزار دینار [دو هزار] جهان‌شاه و با اشعار زیر بدین صورت تقدیر کرده است.^{۷۶}

□ □ □

سخن کوتاه، از زاده طبع شاه
که دانش مآب است و عرفان پناه
بحری است کف جود شه کوه وقار
کز وی نفتد به غیر گوهر به کنار
موجش به عراق چون گهر کرده نثار
جامی به هرات، از آن گهر چیده [دو] هزار [!؟]^{۷۷}

□ □ □

این رساله منظوم ۸۷ بیتی در دیوان چاپ شده جامی، به کوشش علی اصغر حکمت، چاپ ۱۳۲۰ش طهران با این ابیات شروع می‌شود.^{۷۸}

۷۵. مقامات جامی (گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان)، تصحیح نجیب مایل هروی.
۷۶. دیوان عبدالرحمن بن احمد جامی، به کوشش اعلاخان افصح‌زاد، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۷۷. صاحب مقامات جامی می‌گوید: «یک بار جهان‌شاه کلیات اشعارش را برای نظرخواهی به نزد جامی فرستاده بود، همراه با دو هزار دینار [!؟] جامی هم در مثنوی ای او را ستوده و در رباعی‌ایی از تقدیر ارسالی جهان‌شاه بدین گونه تقدیر کرده است». رک به: مقامات جامی (گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان)، تصحیح نجیب مایل هروی.
۷۸. جامی، شرح حال و دیوان، علی اصغر حکمت.

برخوردار است که برخی از صاحب‌نظران او را رومی‌ثانی (مولانا) نامیده‌اند.^{۸۰-۸۱}

همان‌طور که در اشعار جهان‌شاه می‌خوانیم، جهان‌شاه پایداری حکومت خود را در جهانگشایی و بسط فروانروایی نمی‌داند، به طوری که هم‌زمان برای ادامه حیات سیاسی و حاکمیت خود، از ادیبان و فرهیختگان زمان خود نیز حمایت متواضعانه می‌کرده است؛ به طوری که در زمان سلطنت «سلطان محمد فاتح» در کشور عثمانی، شاعری به نام احمد پاشا دریکی از ابیات خود در مورد جهان‌شاه قره‌قویونلو چنین می‌گوید:

غنچا گیبی جامه‌سین چاک اده چون بؤلبول گیبی
اوکیا شعرؤم جهان‌شاه‌اؤن غزلخوانی دُرست.

ترجمه به فارسی: جامه‌اش را مثل غنچه اگر چاک کند / جهان‌شاه است که مانند بلبلی غزلخوان درست می‌خواند.

Gonca gibi câmesin çâk ide çün bülbül gibi
Okuya şi'rüm Cihân-şâhun gazel-hânî dürüst⁸²

دیوان او با نام خدا آغاز شده و پس از ذکر نام حضرت محمد (ص)، انبیاء اعظام، امامان^{۸۲}، نام مولانا جلال‌الدین رومی (مولوی) را می‌برد. او همچنین بعضی از اشعار و سروده‌های خود را به شاعران و عارفانی چون: شمس تبریزی، شیخ محمود شبستری، عبدالرحمن جامی، عمادالدین نسیمی و... هدیه نموده است و این نشانگر علاقه، احترام و تعلق خاطر وی به بزرگان ادب و اصحاب اندیشه است. اشعار جهان‌شاه را در شعر ترکی با عمادالدین نسیمی تبریزی^{۸۳} بسیار شبیه دانسته‌اند؛ به طوری که گاهی اشعار جهان‌شاه حقیقی را با اشعار نسیمی به خطا با هم خلط می‌کنند.

همچنین کتابخانه جهان‌شاه قره‌قویونلو در تبریز از کتابخانه‌های غنی و معروف قرن نهم هجری است. مؤلفان و مصنفان کتاب‌های زیادی به نام او ساخته و پرداخته‌اند؛ از جمله جلال‌الدین دوانی، رساله خواص حروف^{۸۴} و شیخ شجاع‌الدین بن کمال‌الدین، شرح گلشن راز شیخ

۸۰. ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یحیی آربین پور و دیگران.

81. Vladimir Fedorovick Minorsky, "Jihan-Shah Qara-Qoyunlu and His Poetry", *Turkmenica*, 9, Bulletin of School of Oriental and African Studies, University of London, Vol. 16, No. 2 (1954), p. 277.

82. MACİT, Muhsin, "Cihanşâh ve Türkçe Şiirleri", *Bilig*, S 113, Bahar, İstanbul, 2000.
۸۳. عمادالدین نسیمی تبریزی را در اوایل قرن نهم (سال ۸۱۱ هـ / ۱۴۳۲ م) در شهر حلب شام و به جرم تشیع و زنداقه! و عدم اطاعت از مذهب اهل سنت و جماعت، متهم به کفر، رُفُض، خروج از دین و زندیق بودن می‌کنند. همچنین با احکام صادره قاضی القضاة حلب و تأیید آن از طرف سلطان مؤید، به دست شهاب‌الدین بن هلال، (دشمن خونی شیعیان) زنده‌زنده پوست می‌کنند و جنازه‌اش را هفت روز تمام در حلب گردانده و سپس شقه‌شقه‌اش می‌نمایند. گفتنی است که سازمان بین‌المللی یونسکو سال ۱۹۷۳ م را به دلیل شجاعت، پایداری و جانفشانی وی، به نام عمادالدین نسیمی تبریزی نامگذاری کرده است. رک به: مقدمه فارسی دیوان نسیمی «سنجیلمیش اثرلو»، تصحیح و تعلیق حسین فیض‌اللهی وحید (اولدوز)، تبریز: یاران، ۱۳۸۲.

۸۴. کتابخانه تاشکند (ازبکستان)، ش ۱۳۸۶؛ مدرس خیابانی تبریزی، ریحانة الأدب، ج ۲،

بده ساقی آن جام گیتی نمای
که هستی زبای است و هستی فزای
به مستی ز هستی رهاییم ده
به مستان عشق، آشناییم ده
بزن مُطرب آن نغمه دل نواز
که در پرده دل بود پرده‌ساز
به شکرانه، کز پرده گفتگوی
عروسان معنی نمودند روی
به گلزار فردوس آمد، گلی
به نزهت‌گه بی‌نوا، ب-لبلی
همایون کتابی چو دُر جی ز دُر
رسید از گهرهای تحقیق پُر
در او هم غزل درج، هم مثنوی
ز آسرار صوری و هم معنوی
شده طالع از مطلع هرغ-زل
فروغ تابشیر^{۷۹} صبح ازل
زمقطع چه گویم که هر مقطعی
که فیض ابد را بود منبعی
به صورت پرستان کوی مجاز
ز شاه «حقیقی» نشان داده باز
چو در مثنوی داده داد سخن
نویی یافته رازهای کهن
زهی نامه دلکش دلگشای
که شد جان عطار از او عطرسای
بود مثنوی لیکن آن مثنوی
که شد فیض از خاطر مولوی
زبس گل که از راز، در وی شکفت
همی شایدش گلشن راز گفت

□ □ □

از اشعار جامی در این نامه منظوم چنین برمی‌آید که دیوان جهان‌شاه، افزون بر غزلیات و رباعیات حاوی مثنوی نیز بوده است که امروز در برخی از نسخه‌های به جامانده خطی اثری از آنها نیست. جهان‌شاه در اشعار فارسی بیشتر متأثر از مولوی، حافظ، عمادالدین نسیمی و جامی است. دیوان فارسی وی از جهات مضمون از چنان استحکامی

۷۹. أعراب تابشیر را طباشیر می‌نویسند و به کنایه هر شیء سفید در ادبیات را تابشیر گویند، لغت نامه دهخدا.

محمود شبستری را با عنوان *حديقة المعارف*^{۸۵} را بنام جهان‌شاه تألیف و به وی اهدا نموده‌اند.

جهان‌شاه نسبت به مولانا جلال‌الدین محمد بلخی ارادت تام و تمامی داشت؛ به طوری که همواره در اشعار خود او را مراد و راهنمای خود می‌خواند. جهان‌شاه همه دانش و خوانش خود را نشأت گرفته از دریای علم مولانا و مثنوی می‌داند و گاهی چنان از عشق و وصال مولانا لبریز می‌شود که در مقام پادشاهی، مانند گدایان راهی زیارت مرقد مولانا شده و در اشعار خود او را «قطب‌الدین» و «شیخ‌المحققین» خطاب می‌کند و خود را به ایاز و مولانا را به محمود (غزنوی) تشبیه می‌نماید.

□ □ □

نمونه‌ای از اشعار فارسی جهان‌شاه در مدح مولانا و مثنوی

شرح ذکر لایزال است مثنوی
جان معنی عین حال است مثنوی
مثنوی مقصدنمای آدم است
معنی صاحب کمال عالم است
کس به گرد علم او نبود قرین
آفرین بر علم او صد آفرین
بحر معنی آمدست آن نیک‌خو
دیگران در پیش او مانند جو
عین او سرچشمه حیوان ماست
قطره‌ای از وی، حیات جان ماست
با هوای مولوی دارم هوس
تا شوم در علم معنی منقبس
عاشقم در گفتن توحید او
من که باشم که کنم تقلید او

همچنین خطاب به حضرت مولانا، نور قیبه

وقت آن آمد که آیم روبرو
آب حیوان می‌برم از بحر او
می‌کشم از جور تو صدگونه درد
غم نگردد گر بر آرم آه سرد
درد تو درمان جان است ای طبیب
حاش که مانم ز دردت بی‌نصیب
شاکرم دایم به شرح شکر تو
کی شوم خالی ز مدح و ذکر تو

ص ۳۳؛ کتابخانه مراد نلأ، ش ۱۹۳۶.

۸۵. کاخ موزه گلستان، نسخه خطی به شماره ۸۷۳.

سالکم در عشق تو یابنده‌ام
تا ابد در خاک پایت بنده‌ام

من ایاز و خاص و محمود تویی
رهنمون راه معبود تویی

□ □ □

می‌خواستم که شرح الهی ادا کنم
تا جان خویشتن به صفاتش فدا کنم
گردم ز نکته اسرار کُنْتُ کَنْزِ مَخْفِیاً
زهاد عشق را همه اهل صفا کنم

تا وارد من صفات جمال و جلال اوست
حاشا که من حکایت زرق و ریا کنم
چون معتکف به حضرت آن آستان شدم
شرط ادب نباشد اگر ترک جا کنم
گرفاش می‌زنم لِمَنْ الْمَلِکُ را به خلق
بس خسروان ملک جهان را گدا کنم
تا روز رستخیز به پایان نمی‌رسد
یک شمه از حقیقت وی گرا دادا کنم
خلق جهان اگرچه همه خصم من شوند
جز آستان دوست کجا التجا کنم
درمان ز درد دوست طلب کن حقیقتاً
تا من درون درد دلم را دوا کنم^{۸۶}

□ □ □

ساقیا تکیه بر این باد فنا نتوان کرد
باده پیش آر که تعبیر قضا نتوان کرد
خانه برره‌گذر سیل فنا نتوان ساخت
فکر جاوید در این کنه‌سرا نتوان کرد

بوسه‌ای می‌ندهی ای شه خوبان ز چه روی
این قدر [ناز و جفا] بهر خدا نتوان کرد

طاق ابروی تو محراب دلم را تا نشود
ای پی چهره به اخلاص دعا نتوان کرد

ای حقیقی چو تورا عمر به پایان برسد
با همه حکمت لقمانش دوا نتوان کرد

□ □ □

86. Vladimir Fedorovick Minorsky, "Jihan-Shah Qara-Qoyunlu and His Poetry", *Turkmenica*, 9, Bulletin of School of Oriental and African Studies, University of London, Vol. 16, No. 2 (1954), p. 288.

نمونه‌ای اشعار ترکی جهان‌شاه قره‌قویونلو^{۸۷}

Ey sər-i zülf-i to kəmənd-i bəla
 Piş-i qədat sər-v-ü senübər du ta
 Surə-yi vəşşəms yüzün ayəti
 Hər-f-i hidayətdə xətin vəzzuha
 Xizr-i ləb-in çəşmə-yi ab-i həyat
 Aşiq-i dilxəstəyə lə'lin şəfa
 sər-i kuyuna xak olmadı 'Kim ki
 İrmədi məqsuduna ol bivəfa
 Ahilə yandırdı mənə furqətin
 Gəl mənə vəslindən irişdir dəva
 Ayət-i vəlleyl saçın şə'ninə
 Xal-ü xətin fatihə-yi rəbbəna
 səni gördü bu vəchilə şah Kim ki,
 Oldu sənin xak-i rəhində fəda
 Sidrə boyun sərvinə qıldı sucud
 ca Ariz-i ruxsarına bədr-i du
 Hüsn-u lətafətdə yüzündür qəmər
 Küfr-ü zəlalətdə saçındır bəla
 Vəslinə yar oldu Həqiqi bu gün
 Həqdən irişdi ona fəzl-ü əta
 Yarın qəmində bulmadı hər bisəfa səfa
 Yarın vəfasını nə bilir çəkməyən cəfa
 Hər kim ki, yarə əhd-ü vəfa qılmaz ey həkim
 İdrak edən üləikədir əhdə bivəfa
 Canım nəcat istəməz əz dam-i zülf-i dust
 Ol həlqə-yi səlasilə ta oldu mübtəla
 Əqlim itirdi Leyli-yü Məcnün hikayətin
 fəda Şirin yolunda oldu çü Fərhad can
 Eynimdə nur-i ləmyəzəl oldu qəm-i ruxun
 Ey xak-i asitan-i to kəhl-i bəsər-i ma
 yarı qeyr ilə biganə bilmədi 'Hər kim ki
 Yarın vüsali olmadı ol geyrə aşına
 Qıldı Həqiqi kəbə-yi vəslin təvafımı
 Həqdən müyəssər oldu ona Mərvə-vü Səfa

ائی سر- ایی زولف - ایی ت- وک- مند - ایی ب- لا
 پیش - ایی ق- دت سرو - و صنوب- ر دو تا
 سورہ - ایی والشمس یوزون آیت- ی
 حرف - ی هیدایتده خطین والضح- ی
 خیضر- ایی لبین چشمه - ایی آب - ایی حیات
 عاشیق - ی دیل خسته یه لعلین شفا
 کیم کی سر - ایی گویونا خاک اولمادی
 ایرمه دی مقصودونا اول بی وفا
 آهیله یانیدردی منی فورقتین
 گل منه وصلیندن ایریشدیر دو
 آیت - ایی واللیل ساچن شانی- نه
 خال - و خطین فاتیحه - ایی ربنا
 کیم کی سنی گوردو بو وجه ایله شاه
 اولدو سنین خاک - ایی رهینده فدا
 سیدره بیون سروینه قتلدی سوجود
 عاریض - ایی روخسارینا بدر - ایی دو جا
 حوسن - و لطافتده یوزوندور قمر
 کوفر - و ضالتهده ساچن دئر بلا
 وصلینه یار اولدو حقیقی بو گون
 حقدن ایریشدی اونا فضل - و عطا
 یارن غمینده بولمادی هر بی صفا صفا
 یارن وفاسنی نه بیلیر چکمه یه ن جفا
 هرکیم کی یاره عهد - و وفا قتلماز ائی حکیم
 ایدراک اذن اولایاک دیر عهدہ بی وفا
 جانم نجات ایسته مه زاز دام - ایی زولف - ایی دوست
 اول حلقه - ایی سلاسیله تا اولدو موبتلا
 عقلم ایتیردی لیلی - و مجنون حیکایتین
 شیرین یولوندا اولدو چو فرهاد جان فدا
 عینیمده نور- ایی لم یزل اولدو غم - ایی روخون
 ائی خاک - ایی آستان - ی توکحل - ایی بصر - ایی ما
 هرکیم کی یاری غیر ایله بیگانه بیلمه دی
 یارین وصالی اولمادی اول غیره آشینا
 قتلدی حقیقی کعبه - ایی وصلین طوافنی
 حقدن مویشر اولدو اونا مروه - و صفا

۸۷. اشعار زیر را با تصحیح و دوباره نویسی آقای ابراهیم قشقم زاده، با حروف لاتین و رسم الخط عربی (همین خط که می نویسیم) برای استفاده کسانی که این رسم الخط را نمی دانند، مورد استفاده قرار داده‌ام.

ey sənəm ‘camalındır ‘Ayinə-yi cahān ki
Hər bibəsər haçan görər ol nurdan ziya
Ey xə-t-ü xalın kamal ul-lah həm ümm-ül kitab
Həs-rätindən didə-yi uşşaq olubdur qər-q-i ab
Qəmzə-yi çəşmin işarət qıldı əhl-i və‘dəyə
Məst-i eşqin şol cəhətdən qalmaq eynində xab
Leylät ül-əsra-vü vəlleyl əndi zülfün şə‘ninə
Ayət-i Vəşşəmsə vəchindən göründü aftar
Ey mənīm eynimdə ruxsarın çü nur-i ləmyəzəl
Vey saçın hər tarəsindən ələm üzrə müşk-i nab
Aləmi qıldı münvər nur-i vəchin ta əbəd
Lövh-iməhfuzundarövşənolduhəmyövmül-hesab
Zar-ü bimarəm əgər təşrif qılsan bir nəzər
Xak-irah-iməqdəmindəsəpmişəmgözdəngüləb

آینه - ایی جهان کی جمالیندئرئی صنم
هر بی بصر هاچان گۆرەر اول نوردان ضیاء
ائی خط - و خالین کمال الله هم ام الكتاب
حسرتیندن دیده - ایی عوشاق اولوبدور غرق - ایی آب
غمزه - ایی چشمین ایشارət قتلدی اهل - ایی وعده یه
مست - ایی عشقین شول جهتدن قالمادی عینینده خواب
لیله الاسرا - و واللیل آندی زؤلفؤن شائینه
آیت - ایی والشمسه وجهیندن گؤروندؤ آفتاب
ای منیم عینیمده روخسارین چونور - ایی لم یزل
وئی ساچئن هرتاره سیندن عالم اوزره مؤشک - ایی ناب
عالمی قتلدی مونور نور - ایی وجهین تا ابد
لؤوح - ایی محفوظوندا روئن اولدو هم یوم الحساب
زار - و بیمار ام اگر تشریف قتلسان بیر نظر
خاک - ایی راه - ایی مقدمینده سپمیش ام گؤزدن گولاب

ه / اکتبر ۱۴۸۸م) و در ۸۵ برگ استنساخ و تذهیب شده است. اندازه هر صفحه ۲۳×۱۶ (و اندازه متن آن ۱۱×۱۶ سانتی متر است. و در هر صفحه ۱۰ الی ۱۱ بیت از اشعار مسطور است.^{۹۳} گزیده ای از این نسخه

با عنوان جهان‌شاه حقیقی (غزله‌رو رباعیلر) برای دومین بار در سال ۱۹۸۶م از طرف ابوالفضل رحیم‌اف، مایل علی‌اف و لطیف حسین‌زاده توسط انتشارات یازیچی باکو در جمهوری آذربایجان (اتحاد جماهیر شوروی سابق) منتشر شده است.^{۹۴}

۲. نسخهٔ ایروان: این نسخه در سال ۸۷۹ هـ / ۱۴۷۹م، استنساخ شده و اکنون در آرشیو انستیتو نسخ خطی «ماتاناداران» ایروان،

شعبهٔ ادبیات شرق به شمارهٔ ۹۶۵ نگهداری می‌شود. گفتنی است

اصغر عباد الله واحقرهم «قنبر علی بن خسرو الاصفهانی» اصلح الله شأنه و عفا الله عنه لوالديه و لصاحبيه ولاستاذیه و لمن سعی فيه برحمتک یا ارحم الراحمین. فی عام ثلاث و تسعین و ثمانمائة ۸۹۳ هـ [ا] فی شهر شوال. ختم بالخیر والاقبال.

93. Vladimir Fedorovick Minorsky, (b. 1877, d. 1966), "Cihansah Qaraqoyunlu Vəonun şe'rri, Bulletin of School of Oriental and African Studies (BSOAS), London, 1954, 17-2, s. 293.

94. F. Nève, *Exposé des guerres de Tamerlan*, etc., Bruxelles, 1840, pp. 144-5; Öbülfaz Rəhimov, Lətif Hüseynzadə, *Mail Öliyev Cahansah Həqiqi, seçilmiş əsərləri, Tərtib, müqədimə və lügətin müəllifləri*, Yazıçı, Bakı, 1986.

□ □ □

ای وصالین روضهٔ رضوانمئز
وی دوداغین چشمهٔ حیوانمئز
چون ایکی عالمده سنسن جانمئز
کفر زؤلفؤن شرح ائدر ایمانمئز

□ □ □

ای ایکی عالمده چشمین آفتاب
مصحف و جهینده دئر ام الكتاب
دوشدی جانه آتش هجرانه تاب
شوق عشقین باغرئمی ائدی کباب

□ □ □

نسخه‌های خطی دیوان جهان‌شاه قره‌قویونلو

۱. نسخه لندن: ۸۸-۸۹ این نسخه به تاریخ ۸۹۳ هـ / ۱۴۸۸م در موزهٔ معروف بریتانیا (بریتیش میوزیوم)^{۹۵} لندن به شمارهٔ OR-۹۴۹۳ نگهداری می‌شود.^{۹۱} این نسخه با خط نستعلیق توسط «قنبر علی بن خسرو اصفهانی»^{۹۲} بیست و یک سال پس از مرگ جهان‌شاه (شوال ۸۹۳

88. *Handlist of Persian Manuscripts 1895-1966*, by G. M. Meredith Owens, Published by the trustees of the British Museum, 1968, p.57.

۸۹. احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳، ص ۲۳۰۱.

۹۰. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۹۱. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳، ص ۲۳۰۱؛ به نقل از سخنوران آذربایجان از قطران تا شهریار، سخنوران تبریز، عزیز دولت‌آبادی، ص ۳۱۵.

۹۲. تم الكتاب بعون الملک الوهاب من کلام «سلطان العارفين»، «افتخار السلاطين» فی اوانه «زیده العادلین» فی زمانه «سلطان جهان‌شاه انار الله برهانه» و بز مضعه علی ید(؟) العبد الفقیر

سال استنساخ آن نامعلوم است. و اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۸۱۹۸ نگهداری می‌شود و حجمی به اندازه ۱۳۳ برگ ۱۲ سطری در زمینه نوشتاری (۸/۵×۱۱) سانتی متر دارد و دارای ۸۴ غزل، ۳۱ رباعی، ۹۰ مثنوی ترکی همراه با ۱۰۸ غزل فارسی و یک مستزاد است.^{۹۸} این نسخه اخیراً با مشخصات ذیل به کوشش محقق و کتاب‌پژوه گزیده‌کار کشورمان دکتر فیروز رفاهی علمداری و توسط انتشارات فیروزان در تهران چاپ و منتشر شده است. همچنین به گفته وی در مقدمه دیوان میرزا جهان‌شاه حقیقی (بر اساس نسخه دستنویس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)، زیبایی خط و شباهت آن به دستخط نسخه لندن این گمان را ایجاد می‌کند که شاید ناسخ هر دو نسخه

یک نفر باشند. در اواسط این دستنویس اشعاری از میرفیزی مرعشی (چهار غزل با ۲۷ بیت) با تخلص مرعشی داخل شده است که با توجه به نوع خط و کتابت آن روشن می‌گردد بعدها توسط دیگران وارد این دستنویس شده است. در هیچ جای دستنویس چه ابتدا و چه انتها به نام ناسخ بر نمی‌خوریم.

دستنویس از دو بخش مجزا تشکیل شده است. بخش اول دارای تذهیب است که

قسمتی از آن در اثر عوامل روزگار پاک شده است و در آن با دو خط بسیار نامناسب و به دو سیاق کلمه «بسم الله الرحمن الرحيم» و با خطی دیگر در زیر آن «دیوان حقیقی» و «بسمه تعالی» نوشته شده است. در بخش دوم ابتدا «بسم الله الرحمن الرحيم، دیوان ترکی حقیقی» به خطی بسیار ابتدایی نوشته شده است. در آغاز غزلیات که صفحه‌ای جداست با خط نستعلیق دیگری در کنار «بسم الله الرحمن الرحيم»، عبارت «بسیار خوب شعرت» نوشته شده است. در صفحات داخلی و در اثر بی توجهی، در جای جای آن اظهار نظرهای نابجا و اشعار غیر

خمس و ثلاثین سنة (۳۵ سال حکومت) الی أن قتل فی (۸۷۲ هـ) و دفن فی الزاویة المظفریة. التي أسس بنیانها فی حیاته المعروفة گوگ مسجد [کوی مجید] او ... و قد فرغ الدواني من شرح الهياكل فی تلك الزاویة بعین تلك السنة كما صرح فی آخره ترجمه فی (دجا، ص ۱۲۰) و ذکر أنه ارسل الحقیقی دیوانه الی المولی العارف عبدالرحمن الجامی فقرظه الجامی بقطعة آخرها. (به صورت پرستان کوی حجاز / ز شاه حقیقی نشان داده باز) و سومی الخمسة من ولد جهان‌شاه احدهم حسن علی. و قد آورد تاریخ گوگ مسجد، [کوی مجید] المعروفة فی تاریخ تبریز: لنادر میرزا، المطبوع بطهران، و آورد غزلاً «الحقیقی» و فرماناً له فی ترجمة أدبیات براون (ج ۳، ص ۴۴).

۹۸. محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست نسخه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۷، ص ۵۱.

С [Az] 1
h 48

hагиги

h 48 Гэзэллэр вэ рүбайлэр (Азэрбајчан диліндэ эрэб әлифбасы илә). Тәртиб едәнлэри Әбүлфәз Рәһимов вә Мајыл Әлијев, өн сөзүн мүәллифи Ә. Рәһимов, редактору Мәмәдәли Мүчир и хәттат Јавәр Әсәдовундур. Б., Јазычы, 1987.—117 с.

4702060200 — 185

h — 189 — 86

С [Az] 1

М — 656 — 88

© Јазычы, 1988.

ISBN5—560—00242 1

قره قویونلو سلاله سینین ان قدر تلی و سون حکمداری بولان جهان‌شاه حقیقی دوغما آنا دیلینده و فارسجا گوزل شعرله یازهبس دیوان ته تیب انتمیشدیس. جهان‌شاه حقیقی نین دیوانی ۹ - نجو عصر (هجری قمری) ادبیاتی و دلیل تاریخی نین تدقیق اندن عاللمس و قدیم ادبیات موسکارلاری ایچون خصوصیلده ماراقلیدیس.

منبع: لندنده «بریتانیا» کتابخاناسیندا (کنجیش بریتانیا موزه یی) و ایرواندا مسی وپ مانتوس آدیفا قدیم ایازمالاری اینستیتوتو - «ماتاداران» دا ساخلانیلان ایازمانسخه لرنین عکسلسری.

که محققان نسخ خطی تا سال ۱۹۶۱م این نسخه را مفقود شده می‌پنداشتند. این نسخه برای مدتی طولانی در کتابخانه کاخ‌های سلاطین عثمانی در استانبول نگهداری می‌شد تا اینکه در دوره سلطان عبدالحمید مفقود شد و مدتی بعد در کتابخانه اسکندریه مصر پیدا شد. پس از مدتی دوباره مفقود شد و در نهایت از موزه بریتانیا سردر آورد. در همین زمان خاورپژوه مشهور، پروفیسور ولادیمیر مینورسکی با نسخه خطی دیوان جهان‌شاه آشنا می‌شود. این نسخه پس از چندی دیگر و به نحوی نامعلوم به کلکسیون میلیاردر ارمنی / آمریکایی آرتیون قازاریان (گولبانگیان) راه پیدا می‌کند و بعد از مرگ او بنا به وصیتش به دانشگاه ایروان تعلق می‌گیرد. این نسخه در ۵۴ صفحه با ابعاد (۲۰×۱۲) سانتی متر، بدون صحافی، جلد است و در هر صفحه آن تعداد ۱۰-۱۱ بیت از اشعار درج شده است. در این نسخه ۶۰ غزل، ۱۶ رباعی ترکی و ۷۹ / ۷۷ غزل فارسی و در مجموع ۹۸۵ بیت مسطور است.^{۹۵} گزیده‌ای از این نسخه با تصحیح لطیف حسین‌زاده در سال ۱۹۶۶م توسط انتشارات «هایاستان نشریاتی» در شهر ایروان (اتحاد جماهیر شوروی سابق) منتشر شده است.^{۹۶}

۳. نسخه تهران^{۹۷}: این نسخه با خط نستعلیق زیبایی تحریر شده و

95. Ibid.

96. Lətif Hüseynzadə, *Həqiqi, Şe'rilər: Kitabın tərtibi və şərhləri filoloji elmlər namizədi*, Hayastan nəşriyyatı, Yerevan, 1966.

۹۷. آغا بزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۹، ق ۱، ص ۲۹۵، ۱۵۶۶: دیوان «حقیقی» للسلطان أبی المظفر المیرزا جهان‌شاه بن قرايوسف خان الجالس علی سریر الملک فی تبریز



۱۴۶۵ م معزول و پس از چندی به حکومت بغداد منصوب می‌کند. پیربوداق در آنجا نیز سراز فرمان پدر باز می‌زند. جهان‌شاه به ناچار بغداد را یک سال ونیم محاصره و با زیرکی فراوان آن را می‌گشاید. در این بین پیربوداق به دست فرزند دیگر جهان‌شاه به نام محمدی میرزا گشته می‌شود. پس از این جریان حکومت شهر بغداد را به محمدی میرزا سپرده و جهان‌شاه با دلی سوخته و آکنده از مرگ فرزند، با شوکت تمام و پیروزمندانه در سال ۸۷۱ هـ / ۱۴۶۷ م به تبریز رهسپار می‌شود.^{۹۵} دولت‌شاه سمرقندی شرح حال پیربوداق را جانبدارانه در تذکرة الشعرا چنین می‌نویسد: «او بر پدر [جهان‌شاه] عاصی شد و از شیراز به دارالسلام بغداد نهضت فرمود و جهان‌شاه به قصد فرزند عزیمت به بغداد نمود و یک سال و نیم بغداد را محاصره کرد و در حین محاصره این ابیات را به فرزندش پیربوداق نوشت:

ای خلف از راه مخالف متاب
تیغ بیفکن که منم آفتاب^{۹۶}

تاریخ جدید شهریزد، «احمد بن حسین بن علی الکاتب»، یزد: ۱۳۱۷ ش. «تاریخ جدید یزد الفه احمد بن الحسین بن علی الکاتب الیوردی، وانما وصف بالجدید لآله الفه بعد تاریخ الجفری بما یقرّب من خمسين سنة فی حدود (سنة ۸۶۱ هـ / ۱۴۵۹ م) وأدرج فیہ دیاجة الجفری بعینها وأكثر مطالبه مأخوذ منه بل بعضها بعین ألفاظه، وقد آلفه باسم میرزا جهان ثالث ملوک قراقویونلو كما ذكره». به نقل از آغا بزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۶، ص ۱۲۷.
۱۰۵. تاریخ تبریز، ولادیمیر مینورسکی، ترجمه عبدالعلی کارنگ، ص ۳۹-۴۰.
۱۰۶. دکتر فیروز رفاهی علمداری گردآورنده و مصحح دیوان میرزا جهان‌شاه حقیقی براساس نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، در مقدمه کتاب، ص (۱۹-۲۲)، درباره این ابیات چنین می‌نویسد: در نسخه دانشگاه تهران به این ابیات برنمی‌خوریم. به نظر می‌رسد مرحوم تربیت نویسنده دانشمندان آذربایجان این اشعار را از تذکرها آورده است. مؤلفین اشعار ترکی حقیقی

لازم و کلمات بی‌ربط آورده شده یا برای برخی از اشعار عنوان‌هایی اضافه شده است. زیبایی ابیات و وجود ترکیب‌های نوفارسی جایگاه خاصی را از لحاظ ادبی به اشعار حقیقی می‌دهد. استفاده از آیات قرآن مجید و احادیث، احاطه شاعر را به زبان عربی روشن می‌کند.^{۹۹}

نسخه استانبول:^{۱۰۰} این نسخه در بخش گنجینه کتابخانه سلیمانیه استانبول به شماره ۳۸۰۸ Fatih مضبوط است.^{۱۰۱}

نسخه آنکارا: این نسخه خطی اکنون در بخش گنجینه کتابخانه دانشگاه زبان و تاریخ - جغرافیای دانشگاه آنکارا به شماره İsmail Saib No I 2221 نگهداری می‌شود.^{۱۰۲}

همچنین در برخی از سفینه‌ها، جنگ‌ها و تذکره‌های فراوانی اشعاری از جهان‌شاه قراقویونلو

ضبط شده است. مثلاً در سفینه شماره ۳۶۶۷ کتابخانه ملی ملک و به خط پیرحسین کاتب شیرازی به تاریخ ۹۴۲ هـ که شامل اشعار شاعران قرن هفتم تا اوایل قرن دهم هجری است.^{۱۰۳}

نامه منظوم جهان‌شاه برای پسرش، پیربوداق

جریان طغیان پیربوداق و سربرازدن از فرمان پدر و نامه‌های منظوم رد و بدل شده بین ایشان در تذکرها و معلومات تاریخی قرن نهم بسیار خواندنی و تأسف بار است. در نوشته‌های زیر به قسمت‌هایی از آن به نقل از تذکرة الشعرا سمرقندی اشاره می‌شود: جهان‌شاه پسر دیگرش پیربوداق والی فارس^{۱۰۴} را به دلیل سوءرفتارش با مردم به سال ۸۶۹ هـ

۹۹. دیوان میرزا جهان‌شاه حقیقی، فارسی-ترکی، براساس نسخه دستنویس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، (شعر ترکی و فارسی، قرن ۹ هـ) تهران: فیروزان، ۱۳۸۰، ۳۳۳ ص..

۱۰۰. دکتر زاله دمیرجی در مقاله‌ای با عنوان «دو نسخه جدید دیوان جهان‌شاه حقیقی» با اشاره به نسخه موزه بریتیش، نسخه‌های خطی کتابخانه سلیمانیه به شماره ۳۸۰۸ Fatih در استانبول و نیز نسخه کتابخانه دانشکده زبان و تاریخ - جغرافیای دانشگاه آنکارا به شماره İsmail Saib No I 2221 را معرفی و با در نظر گرفتن نسخه فاتح به عنوان نسخه اصلی، پنج غزل و ۱۵ رباعی ترکی میرزا جهان‌شاه را منتشر کرده است.

101. Jale, Demirci, "Cihanşah (Hakikî) Divanı'nın İki Yeni Nüshası", *Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü Türko-loji Der-gisi*, C 12, S 1, Ankara, 1997.

102. Ibid.

۱۰۳. ایرج افشار و محمد تقی دانش‌پژوه، فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۷، ص ۱۶-۱۷: به نقل از «کتاب و کتاب‌پژوهی، پیاپی ۸»، جواد بشیری، آینه پژوهش، ش ۱۲۶، ص ۴۷.

۱۰۴. احمد بن حسین بن علی الکاتب، زمانی که پیربوداق، از طرف پدرش جهان‌شاه، حکومت فارس را به عهده داشت، تاریخ جدید شهریزد را به نام وی ساخته و پرداخته است. رک به:

کوه بجنبد چو بجنبد ز جای
 چرخ بخیزد چو بخیزم ز پای
 گرچه جوانیت ز فرزانیست
 این ز جوانی نه، که دیوانگیست
 کودکی آر چند، هنر پرور است
 خُرد بود گر همه پیغمبر است
 کی رسد که این مرتبه من به تو
 ز پدر من به من، از من به تو

[جواب پیربوداق مرید را]

ای دل و دولت به لقای تو شاد
 باد تو را شوکت و بخت و مراد
 نیستم آن طفل که دیدی نخست
 بالغ و مُلک، به بالغ درست
 شرط ادب نیست مرا طفل خواند
 بخت چو بر جای بزرگم نشاند
 هر دو جوانیم من و بخت من
 با دو جوان پنجه به هم بر مزن
 با مَت از بهر تمامی مُلک
 خام بود پُختن سودای مُلک
 تیغ مَکَش بر رُخ فرزند خویش
 رخنه مکن گوهر دلبند خویش
 پخته مُلکی، دَمِ خامی مزن
 من ز تو زادم نه تو زادی ز من
 شاخ کهن علت بُستان بُود
 نخل جوان زیب گلستان بُود
 کشور من نیست کم از کشورت
 لشکر من نیست کم از لشکرت
 خطه بغداد به من شد تمام
 کی دهم از دست به سودای خام
 چون تو طلب می‌کنی از من سریر
 من ندهم، گر تو توانی بگیر

دولت‌شاه سمرقندی در ادامه مطلب و در تذکره الشعرا چنین می‌نویسد:
 پیربوداق جوانی پُردل و کریم بود. جهان‌شاه جهان دیده و مدبّر و مکار
 و فهیم:

گوزن جوان گر چه باشد دلیر
 نیارد زدن پنجه با شیر پیر



شاه منم مُلک خلافت مراست
 تو خَلَفی از تو خلافت خطاست
 غصب مکن منصب پیشین ما
 غصب روا نیست در آیین ما^{۱۰۷}
 ای پسر آر به شَهِی درخوری
 با پدر خویش مکن سروری
 تیغ مَکَش تا نشوی شرمسار
 شرم مَت نیست، ز خود شرم‌دار
 تیغ که سهراب به رستم کشید
 هیچ شنیدی که ز گیتی چه دید
 با چو منی تیغ‌فشانی مکن
 دولت من بین و جوانی مکن
 گر سپهم پا به رکاب آورد
 ریگ بیابان به حساب آورد

نیز به اشعار نصیحت‌آمیز میرزا جهان‌شاه خطاب به پسرش اشاره کرده و مطالبی را نوشته‌اند. البته لازم به ذکر است که در نسخه دانشگاه تهران چندین مثنوی نصیحت‌آمیز خطاب به فرزند وجود دارد. مانند «فصل در نصیحت» و «نصایح و موعظه»، اما هیچ‌کدام حاوی ابیات فوق نیستند و این نشان می‌دهد که ناسخ، دیوان کاملی شاعر را در اختیار نداشته است.*

عشق نور لاهکانست ای پسر / مظهر کون و مکان است ای پسر / عشق بانک از عرش رحمن می‌زند / سایبان بر تخت سلطان می‌زند / خواب غفلت را رهان کن ای پسر / تا نمایی در جهان بی‌بصر / دولت بیدار جو بیدار شو / دیده بگشا عاشق دیدار شو.

۱۰۷. اشاره‌ای است به غصب خلافت حضرت علی^ع و دیگر نشانه‌های تشیع قره‌قویونلوها.

دولت‌شاه آخرین لحظات زندگی پیربوداق را با طرفداری در تذکرة الشعراء چنین ادامه می‌دهد:

«بعد مشرب میان پدر و پسر واقع بود و به هیچ صورت اتفاق دست نداد و جهان‌شاه از روی ستیزه در فرط گرمای نواحی بغداد مدتی مدید زبردستان و رعایا و لشکریان را معذب می‌داشت. کار به جایی انجامید که فرزندان طفل لشکریان، از گرما در گهواره ضایع می‌شدند و مردم سردابها زیرزمین کنده در آنجا می‌خزیدند و در درون شهر بغداد نیز از امتداد محاصره قحط خاست و ماکولات و ذخایراهل شهر و قلعه تمام

شد و پیربوداق عاجز و به صلح راضی شد و در اثنای صلح، محمدی [میرزا] که ولد جهان‌شاه بود از خلاصی پیربوداق و تسلط او دیگر باره اندیشه مند شد و پدر را بر آن آورد که به قتل پیربوداق به خاموشی رضا دهد، و نماز پیشین روز سه شنبه چهارم ذی‌القعده سنه احدی و سبعین و ثمانمائه [۸۷۱ هـ/ شانزدهم ژوئن ۱۴۶۷ م] آن مدبر، با جمعی از امرای جهان‌شاهی، به قصد کشتن برادر، به شهر بغداد درآمدند، و به وقتی که پیربوداق نیم روز، غافل نشسته بود به سرای او درآمدند و آن معدن احسان و سماحت را به درجه شهادت رسانیدند.»

خاک بر سر جهان فانی را
که ز بهر دو روز بی‌بنیاد
قصد خون پسر کند والد
وز فنای پدر پسر دلش-اد
وان برادر که قاصد جانست
ملک الموت دانش نه همزاد
از قربت، غریب نیست بدی
بُود خویش حسین پُور زیاد

فریاد از این پدران فرزندکش و داد از این برادران برادرسوز که نه در قلب غلیظ این آبا آزرمی است و نه در دل بی‌رحم این برادران شرمی. اخوان‌الصفارخت به دروازه فنا بیرون برده‌اند و این شهر بند کبود را به حقه برادران حسود سپرده. چون پیربوداق رکنی بود از ارکان سلطنت جهان‌شاه و وقصد فرزند نمودن، به تخصیص همچنان فرزند رشید، در دنیا و دین، سبب نقص دولت سلطان جهان‌شاه شد و بر او آن فعل مبارک نیامد و دولت از او روگردان شد.^{۱۰۸} نقل است که اوزون حسن آق قویونلو،^{۱۰۹} (از

۱۰۸. تذکرة الشعراء، دولت‌شاه سمرقندی، ص ۴۵۷-۴۶۲.

۱۰۹. حسن‌بای معروف به «اوزون حسن»، مکنی به «ابوالنصر» است. در نوشته‌های تاریخی عربی

جهان‌شاه به دلیل فراست و توفیق در فتوحات نظامی

-- سیاسی، خدمات فرهنگی

و نیز به دلیل اخلاق و منشی

انسانی و شاعر مآبانه‌اش، در

میان مردمان و امرای زمان

خود بسیار مورد توجه و

احترام بود. او با ممالیک مصر

و سلاطین عثمانی مناسبات

دوستانه‌ای داشت.

دشمنان خون‌ی و قدیمی جهان‌شاه) از شدت عمل و شجاعت پیربوداق چنان هراسان بود که پس از اطلاع از قتل وی از خوشحالی گفته بود: دو نفر بودند یکی ماند، جوانمرد بود، ولی پیر شد.^{۱۱۰}

مناسبات سیاسی جهان‌شاه با همسایگان

جهان‌شاه به دلیل فراست و توفیق در فتوحات نظامی - سیاسی، خدمات فرهنگی و نیز به دلیل اخلاق و منشی انسانی و شاعر مآبانه‌اش، در میان مردمان و امرای زمان خود بسیار مورد توجه و احترام بود. او با ممالیک مصر و سلاطین عثمانی مناسبات دوستانه‌ای داشت. چنان‌که گفته شده سلطان محمد فاتح در مکاتبات (به قول خود محبت‌نامه‌ها) او را به دلیل بزرگی، شأن و خصوصیات اخلاقی‌اش با عناوینی همچون والد اعظم، حضرت ابوی، پدرم، خدایگان خواقین العرب والعجم، مالک الرقاب سلاطین التُرك والدیلم، دارای قیصر خدام، فغفور جمشید حشم، مربی ارباب العلم والقلم و... خطاب قرار می‌داد.^{۱۱۱} در یکی از نامه‌های جهان‌شاه، به مناسبت بر تخت نشستن سلطان مراد دوم، پس از تعارفات اولیه نوشته شده است:

... چون علاقه دوستی و یگانگی و رابطه محبت و یک‌جهتی فی ما بین قدیم و ازلی است، از خاور تا باختر پرتو افروز و در حد اعتدال از تابش روز نوروزی است. دیگر نامه بسیار مهم و تاریخی این دوران، نامه سلطان محمد فاتح است که پس از فتح قسطنطنیه در سال ۸۵۷ هـ / ۱۴۵۳ م برای جهان‌شاه به تبریز ارسال کرده است. در قسمتی از این مکتوب چنین می‌خوانیم: «مقصود آنکه چون حق سبحانه و تعالی در این نزدیکی طغرای سلطنت موروثی را بر صحنه ناصیه ایام دولت روزافزون ما در کشیده و تاج اجتبا به تازک میمون ما سزاوار دیده، این بنده نیز به زبان لاهصی در شکر نعم مستقصی بودن بر خود اقدام واجبات و اهم مفروضات دیده و به عادت معروف با رغبت تمام بهر عدل و داد غزوه و جهاد روی برفتح قلاع و استخلاص بقاع نهاد کمرطاعت خالق برای ترفیه خلایق بر

وی را «حسن الطویل» گفته‌اند. علت اشتهاوی به این نام هم قامت بلند او ذکر شده است. کاترینونو در سفرنامه خود درباره وی می‌نویسد: «حسن‌بای به سبب کارهای بزرگش، خود را اوزون حسن خوانده بود». به هر روی با مرور زندگانی وی می‌توان دریافت که وی مردی شجاع، باهوش و بسیار باادبیت بوده و با کیاستی که از خود نشان داد، توانست از حوادث سیاسی زمان به نفع خود و خاندانش بهره لازم را ببرد. او کوچک‌ترین شهید خت آخرین امپراطوری مسیحی طرابزون به نام کورا کاترینا مشهور به «دسپینتاختون» را به نکاح خود درآورد. اوزون حسن در (سال ۸۹۲ هـ / ۱۴۵۲) زندگانی را وداع گفت و در باغ «نصریه تبریز» که خود احداث کرده بود به خاک سپرده شد. ماده تاریخ فوتش را به صورت «شَه دین‌پرور عاقل» نوشته‌اند.

۱۱۰. حیدر رازی، مجمل التواریخ، ج ۱، کتابخانه ملی پاریس، شماره ۱۳۳۰، برگ ۲۲۷.

۱۱۱. عبدالحسین نوایی، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، از تیمور تاشا اسماعیل، ص ۱۶۹.



جهان‌شاه و تن رها شده‌اند و در همان دژه گشته و آنها را می‌بایند. اوزون حسن آق قویونلو پس از آن وارد اردوگاه جهان‌شاه شده و خزانه او را به دست می‌آورد.^{۱۱۳} سپاهیان جهان‌شاه هم پس از این از هم گسیخته، رو به فرار نهاده و مُضمحل می‌شوند. همچنین پسران جهان‌شاه، محمدی میرزا و میرزا یوسف پس از سه روز، در نبردی سخت و سنگین گرفتار شده و با جمعی از امرای قره قویونلو گشته یا کور می‌شوند. (دوازدهم ربیع‌الثانی ۸۷۲ هـ / ۱۹ نوامبر ۱۴۶۷ م). در تاریخ وفات ایشان این «ماده تاریخ» گفته شده است:

اردوی جهان‌شاه بهادر نوبیان
با آن همه اسباب و زبردستی و پُش-ت
ثانی عشر ماه ربیع‌الثانی
ویران شد و تاریخ (حسن بیک بگشت)^{۱۱۴}

اوزون حسن برای ارباب پادشاهان و دیگر امرای ممالک و اعلان پیروزی بر بزرگ‌ترین فرمانروایی قرن نهم، سر جهان‌شاه را برای سلطان ابوسعید گورکانی به هرات می‌فرستد، اما غیابی و ابن تغری بردی گفته‌اند که سر جهان‌شاه به قاهره فرستاده شد و حتی غیابی نوشته که آن را در ۷ جمادی‌الآخر ۸۷۲ هـ / دوازدهم

میان جان بسته و جان شیرین بذل اعلاء دین کرده پنجاه و چهار روز محاربه و مجادله رفت روز بیستم ماه جمادی‌الاولی که صبح صادق روز سه‌شنبه بود، یکباره از خشک و دریا هجوم نموده و نبرد عظیم از هر دو سو برخاست کشتکار اعمار آدم ملاعین کرد و دود از دودمانشان براوج آسمان پیوست و سر و سرور آن مخاذیل که تکفور بود زیر سمند بغلطانید و یکایک به مالک دوزخ سپردند غازیان دین ... خزاین و دفاین و عروض و اقمشه و هر چه هست، تالان کردند ... قوانین منسوخ اهل طغیان با سوانح شرع اهل ایمان فرومانده و کوس شرع محمدی بر مناره‌های ناقوس زدنی آوازه تکبیر و تهلیل برداشته شعر: از سعی ما به جای صلیب و کلیسیا / در دار کفر مسجد و محراب و منبر است / آنجا که بود نعره و فریاد مشرکان / اکنون خروش نغمه الله اکبر است ...^{۱۱۲}

پایان کار جهان‌شاه

پس از گشته شدن پیروان، سراسر عراق عرب و عجم، کرمان، فارس، آذربایجان، گرجستان و قسمت‌های اعظم خراسان به تصرف جهان‌شاه قره قویونلو درآمد و همه فرمانروایان و امیران سر به فرمان وی نهادند. در این میان تنها امیر حسن بایندری معروف به «اوزون حسن آق قویونلو» به اوستمکین نکرد و علم مخالفت برافراشت و توانست قسمت‌هایی از مناطق «آرمن» و «گردستان» را از قلمرو جهان‌شاه خارج کند. جهان‌شاه پیرو فتوت در جریان بازپس‌گیری و در یک هجوم و حمله غیرمنتظرانه آق قویونلوها، در یک زمستان برفی و حمله به چادر فرمانروایی و مقام پسرانش یوسف میرزا و محمدی میرزا جهان‌شاه پس از بستن یکی از زانوبندهایش، به طرف یکی از دژه‌های اطراف اردوگاه فرار می‌کند. در همین حین یکی از سربازان اوزون حسن به نام اسکندر (جوانی قلدر، با هویتی مجهول) او را تعقیب می‌کند و در یک ستیز نابرابر، جهان‌شاه از ترس جان فریاد برمی‌آورد که من جهان‌شاه پادشاه‌ام، اما اسکندر بدون اعتنا به این‌گونه سخنان و به طمع جامه‌ها و البسه گرانبهای فرمانروایی، وی را از پا در آورده و سر جهان‌شاه را از تن جدا کرده و بر فراک (زین) اسب می‌آویزد و تن جهان‌شاه را در برف و خون آبه رها می‌کند. در بین راه، سر بریده شده او به زمین افتاده در زیر برف مدفون می‌شود. پس از این نبرد و پیروزی، اسکندر هم مانند بقیه افراد به اردوگاه خود (آق قویونلوهای پیروز) برمی‌گردد و بدون اینکه چیزی در این باره به کسی بگوید، برای استراحت به چادر خود می‌رود. امیران و فرماندهان اوزون حسن وقتی جامه‌های ذی‌قیمتی اسکندر را می‌بینند، او را حاضر کرده و از او در این رابطه استنطاق و بازجویی می‌کنند. اسکندر هم زبان باز کرده و اعتراف می‌کند. با حرف‌ها و اعترافات وی دنبال سر

113. SÜMER, Faruk, "Kara-Koyunlular", *İslam Ansiklopedisi*, İslam Âlemi Tarih, Coğrafya, Etnografya ve Biyografya Lugati, C 6, İstanbul, 1993.

۱۱۴. ابوبکر طهرانی، دیاربکر، به کوشش نجاتی لوغال، فاروق سومر.

112. Matenadaran: Melik Bakhshyan, *Ghazar Parbetsie «Hay Meshakooite Neshanavor Gortzichner»*, Yerevan: Yerevanie Hamalsaran, 1976), P.87.

۱۹. خلد برین؛ محمدیوسف واله؛ به کوشش میرهاشم محدث؛ تهران، ۱۳۷۱ ش.
۲۰. چهل مقاله؛ حاج حسین نخجوانی؛ به کوشش یوسف خادم هاشمی‌نسب؛ تبریز، ۱۳۴۳ ش.
۲۱. حبیب‌الشریفی اخبار افراد البشر؛ غیاث‌الدین بن همادالدین محمد الحسینی مشهور به خواندمیر [خان دمیر]؛ به کوشش محمود دبیرسیاقتی؛ تهران؛ خیام، ۱۳۶۷ ش.
۲۲. دائرةالمعارف تشیع؛ احمد صدرحاج سیدجوادی و دیگران؛ تهران؛ بنیاد خیریه و فرهنگی شط، ۱۳۷۳ ش.
۲۳. دانشمندان آذربایجان؛ محمدعلی خان تربیت؛ طهران، ۱۳۱۴ ش.
۲۴. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی؛ زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۲۵. دیوان لغات الثرک [تورک]؛ محمود [بن حسین] کاشغری؛ ترجمه محمود دبیرسیاقتی؛ تهران؛ پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. دیاربکریه؛ ابوبکر طهرانی؛ به کوشش نجاتی لوغال، فاروق سومر؛ تهران؛ طهوری، ۱۳۵۶ ش.
۲۷. الذریعة الی تصانیف الشیعة؛ آغا بزرگ طهرانی؛ تهران؛ چاپخانه مجلس، ۱۳۷۴ ق.
۲۸. راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی؛ اسماعیل دیباج؛ تبریز، ۱۳۳۴ ش.
۲۹. روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات؛ میرزا محمدباقر خوانساری؛ ترجمه مقدمه و اضافات به قلم محمدباقر ساعدی خراسانی؛ تهران؛ کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۶ ش.
۳۰. روضات الجنان و جنات الجنان؛ حافظ حسین کربلایی تبریزی؛ به کوشش جعفر سلطان‌القرایی؛ تهران؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴-۱۳۴۹ ش.
۳۱. روضة الأطهار؛ ملا محمد امین حشری تبریزی؛ به کوشش عزیز دولت‌آبادی؛ تبریز؛ انتشارات ستوده، ۱۳۸۱ ش.
۳۲. روضة السلاطین؛ محمد بن امیری هروی متخلص به «فخری»؛ تبریز، ۱۳۴۵ ش.
۳۳. ریحانة الأدب؛ علامه محمدعلی مدرس خیابانی تبریزی؛ ۶ جلد، طهران، ۱۳۳۳-۱۳۲۶ ش.
۳۴. زبدة التواریخ؛ حافظ ابرو؛ تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی؛ ۲ جلد، تهران؛ نشرنی، ۱۳۷۲ ش.
۳۵. سخنوران آذربایجان (از قطران تا شهریار)؛ عزیز دولت‌آبادی؛ تبریز؛ انتشارات ستوده، ۱۳۸۳ ش.
۳۶. سفرنامه ژان باتیست تاورنیه؛ ترجمه ابوتراب نوری؛ به کوشش حمید شیرانی؛ تهران، ۱۳۶۳ ش.
۳۷. سیاحت‌نامه اولیاء چلبی؛ به کوشش احمد جودت؛ استانبول، ۱۳۱۴ ق.
۳۸. صحائف الأخبار؛ احمد دده لطف‌الله منجم‌باشی (نسخه خطی ترکی)؛ ۳ ج، مصر؛ مطبعه عامره، ۱۲۸۵ هـ.
۳۹. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع؛ شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی؛ مصر، ۱۹۳۷ م.
۴۰. عالم‌آرای امینی؛ فضل‌الله روزبهان خنجی؛ تصحیح محمد اکبر عشیق؛ تهران؛ نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۱ ش.
۴۱. فرهنگ ایران زمین؛ حسین شهشهانی؛ مقاله؛ «خلاصه وقف‌نامه مسجد میرعماد کاشان و فرمانهای سلاطین که در آن باقی مانده است»؛ ۱۳۳۹ ش.
۴۲. فرهنگ سخنوران؛ خیام‌پور؛ تبریز، ۱۳۴۰ ش.
۴۳. فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک؛ ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه.

ژانویه ۱۴۶۸م در شهر حلب دیده است. به گفته بوداق منشی قزوینی وواله اصفهانی، جسد جهان‌شاه را در جنوب حیاط مدرسه مظفریه تبریز در گنبدی که خود ساخته بود به خاک سپردند.^{۱۵} تصویر بالا محل دفن ابوالمظفر جهان‌شاه، پادشاه بن قوه‌یوسف و همسر وی خاتون جهان بیگوم در جنوب عمارت مظفریه است. همچنین خواندمیر [خان دمیر] در جلد سوم حبیب‌الشریف در این باره چنین می‌نویسد:

چو دولت از آن خاندان درگذشت
یکی گشته شد، دیگری کور گشت^{۱۶}

□ □ □

پی‌نوشت‌ها:

۱. آثار باستانی آذربایجان؛ عبدالعلی کارنگ؛ تهران؛ انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱ ش.
۲. اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور شاه اسماعیل؛ عبدالحسین نوایی؛ تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰ ش.
۳. ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری؛ ترجمه یحیی آریین‌پور و دیگران؛ تهران؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۲ ش.
۴. أعیان الشیعة؛ سید محسن امین؛ بیروت؛ دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۰۳ ق.
۵. تاریخ ادبیات در ایران؛ ذبیح‌الله صفا؛ تهران؛ انتشارات فردوسی، ۱۳۷۱ ش.
۶. تاریخ اصفهان؛ حاج میرزا حسن خان جابری انصاری؛ تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری؛ تهران؛ مؤسسه انتشاراتی مشعل با همکاری شرکت بهی، ۱۳۷۸ ش.
۷. تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم؛ پیگولوسکایا و دیگران؛ تهران؛ انتشارات خیام، ۱۳۵۴ ش.
۸. تاریخ تبریز؛ ولادیمیر مینورسکی؛ ترجمه عبدالعلی کارنگ؛ تبریز، ۱۳۳۲ ش.
۹. تاریخ جدید شهر یزد؛ احمد بن حسین بن علی الکتائب؛ یزد، ۱۳۱۷ ش.
۱۰. تاریخ کاشان؛ عبدالرحیم کلانتر ضرابی، (سهیل کاشانی)؛ به کوشش ایرج افشار؛ تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۵۶ ش.
۱۱. تاریخ فرشته، (گلشن ابراهیمی)؛ محمد قاسم هندوشاه استرآبادی؛ پاکستان؛ لکهنو ۱۸۶۳ م.
۱۲. تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز؛ نادر میرزا قاجار؛ چاپ سنگی، تبریز، ۱۳۲۳ هـ.
۱۳. تاریخ النقود العراقية؛ احمد غازی السامرائی؛ بغداد؛ دارالجواهری، ۲۰۱۱ م.
۱۴. تذکرة الشعراء؛ دولت‌شاه سمرقندی؛ چاپ لیدن، ۱۹۰۱ م.
۱۵. تذکرة الشعراء آذربایجان؛ محمد دیهیم؛ تبریز؛ بی‌نا، ۱۳۶۷ ش.
۱۶. ترجمان وحی، سال اول، شماره یک، «نشریه تخصصی مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی» (مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی)؛ مقاله «نگاهی به ترجمه‌های آذربایجانی قرآن کریم»، رسول اسماعیل زاده.
۱۷. ترکان در ایران؛ برتولد اشپولر، کلیفورد ادmond، بازورث، فاروق سومر، کلود کاهن و ولادیمیر مینورسکی؛ ترجمه یعقوب آژند؛ تهران؛ نشر مولی، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. جامی، شرح حال و دیوان؛ علی اصغر حکمت؛ تهران، ۱۳۲۰ ش.

115. SÜMER, Faruk, "Kara-Koyunlular", *İslam Ansiklopedisi*, İslam Âlemi Tarih, Coğrafya, Etnografya ve Biyografya Lugati, C 6, İstanbul, 1993.

۱۱۶. خواندمیر [خان دمیر]، حبیب‌الشریف، ج ۴، صفحات ۴۰۸-۴۲۲.

chootun, Yerevan 1969, P. 31.

65. Jale, Demirci, "Cihanşah (Hakikî) Divanı'nın İki Yeni Nüshası", *Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü Türko-loji Dergisi*, C 12, S 1, Ankara, 1997.

66. Lâtif Hüseyinzadə, Mail Əliyev *Cahanşah Haqiqi, seçilmiş əsərləri*, Tərtib, müqədimə və lüğətin müəllifləri, Yazıçı, Bakı, 1986.

67. Lâtif Hüseyinzadə, *Haqiqi. Şe'rlər: Kitabın tərtibi və şərhləri filoloji elmlər namizədi*, Hayastan nəşriyyatı, Yerevan, 1966.

68. Maḥmūt, b. Hüsəyn Kāshgharī, *Divānū Lūgat-it-Türk Tercümesi*, tr. Besim Atalay, Ankara, 1985-1986.

69. The clan of the Qara-qoyunlu rulers, in *F. Koprulu Armaganı*, 1953.

70. Vladimir Fedorovick Minorsky, "Jihan-Shah Qara-Qoyunlu and His Poetry", (*Turkmenica*, 9), Bulletin of School of Oriental and African Studies, University of London, Vol. 16, No. 2 (1954), p. 277.

71. Vladimir Fedorovick Minorsky, "The Qara-Qoyunlu And The Qutb-Shahs", Bulletin of School of Oriental and African Studies (*BSOAS*), volum 17, p 70, London, 1955.

72. Vladimir. Fedorovick Minorski, "*Cihanşah qaraqoyunlu Və onun şe'rləri*", Bulletin of School of Oriental and African Studies (*BSOAS*), London, 1954, 17-2, s. 293. Minorsky. Vladimir Fedorovick (b. 1877, d. 1966).

73. Tovma Metsopetsi's, (b. 1378, d. 1446) History of Tamerlane and His Successors. in: The Armenian Weekly, Armenian Medieval Historians in print, "Three Centuries of Scholarship across across Three Continents", DR. ARA SANJIAN, UNIVERSITY OF MICHIGAN-DEARBORN, September, 1,2012; *ibid*, *History, In 1420, Shah Rukh marched toward Vaspurakan*. The chief of the Black Sheep; *ibid*, *History of Lank-Timur and His Successors (in Arm)*, edition, S. Shahnazarean (Paris,1860), partial French trans, F. Nève, "Exposé des guerres de Tamerlane et de Schah-Rokh" dans l'Asie occidentale d'après la chronique arménienne inédite de.

74. Heribert Busse, Untersuchungen Zum Islamischen Kanzleiwesen, "Deutschen Archaologischen Instituts kairo", *Islamische Reihe*, Band 7) Kairo, 1959, p. 149-150; Jean Aubin, "Note sur quelques documents Ap---Qoyunlu", *Archives Persanes Commentees*, 1, Melanges Louis Massignon Danas, 1965, Vol, 1, 11; *ibid*, "Un soyrghal Qara---Qoyunlu", *Concernant le Buluk De Bawanat-Harat Marwast*, Archives Persanes Commentees, 3, Document, from, Is-

۴۴. فهرست نسخه‌های خطی فارسی؛ احمد منزوی؛ تهران، ۱۳۴۸-۱۳۵۳ش.

۴۵. فهرست نسخه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ محمدتقی دانش‌پژوه؛ تهران، ۱۳۶۲.

۴۶. قراقویونلوها؛ فاروق سومر؛ ترجمه وهاب ولی؛ تهران؛ نشر وزارت فرهنگ و آموزش عالی - علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹ش.

۴۷. گاهنامه؛ سیدجلال طهرانی؛ تهران، ۱۳۱۲ش.

۴۸. لغت‌نامه دهخدا؛ علی‌اکبر دهخدا؛ دوره جدید، تهران؛ مؤسسه انتشارات چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.

۴۹. متأثر رحیمی؛ ملاعبدالباقی نهاوندی؛ به کوشش محمد هدایت‌حسین؛ کلکته، ۱۹۲۴-۱۹۳۱م.

۵۰. مجالس المؤمنین؛ قاضی نورالله شوشتری؛ چاپ سنگی، طهران، ۱۲۸۶هـ.

۵۱. مجمل التواریخ؛ حیدر رازی (نسخه خطی)؛ کتابخانه ملی پاریس، شماره ۱۳۳۰، برگ ۲۲۷.

۵۲. مقامات جامی (گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان)؛ تصحیح نجیب مایل هروی؛ تهران؛ نشر نی، ۱۳۷۱.

۵۳. مطلع سعدین و مجمع بحرین؛ کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی؛ ج ۲، چاپ محمد شفیع، لاهور، ۱۹۴۹-۱۹۴۶م.

۵۴. المنهل الصافی والمستوفی بعد الوافی؛ یوسف بن تغری بردی؛ تصحیح محمد محمد امین؛ قاهره؛ الهيئة المصرية، ۱۹۸۵م.

۵۵. نامه دانشوران؛ شمس‌العلماء، عبدالوهاب قزوینی، ابوالفضل ساوجی و حسن طالقانی؛ با مقدمه سیدرضا صدر؛ چاپ دوم، قم؛ دارالفکر، ۱۳۳۸ش.

۵۶. نشریه دانشکده ادبیات تبریز، مقاله «مرحوم حاج حسین نخجوانی»؛ شماره سوم، سال اول، تبریز، ۱۳۲۸ش.

۵۷. نقشها و نگاشته‌های مسجد کبود؛ سیدجمال ترابی طباطبایی؛ تبریز، ۱۳۴۴ش.

۵۸. هدیه العارفین؛ اسماعیل پاشا بغدادی؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، ۱۳۳۹هـ.

۵۹. هندسه و تناسب در معماری دوره ترکمانان قویونلو مسجد کبود (فیروزه جهان اسلام)؛ مجتبی انصاری - احد نژاد ابراهیمی؛ کتاب ماه علوم و فنون؛ شهریور ۱۳۸۹.

□ □ □

60. E. Edwards, "The books of Sultan Abdul-Hamid", *The Times*, 17 November 1924, p. 17, col.5.

61. Faruk, Sümer, "Kara-Koyunlular", *İslam Ansiklopedisi*, İslam Âlemi Tarih, Coğrafya, Etnografya ve Biyografya Lugati, C 6, İstanbul, 1993.

62 F. Nève, *Exposé des guerres de Tamerlan*, etc., Bruxelles, 1840, pp. 144-5.

63. *Handlist of Persian Manuscripts 1895-1966*, by G. M. Meredith Owens, Published by the trustees of the British Museum, 1968, p.57.

64. I. P. Petrushevskij, "*Vnutrenjaja Politika Ahmeda Ak Kojunlu*"; *Izv. Azerb. FAN*, "Sbornik Statei Po istorii Azerbaidžana", 1942/2; G. V. Abgaryan, *Matenadaran*, Hayastani Bedakan Heradarak-

۱۳۸۰، ۳۳۳ ص.

«نقدی بر مقاله - اشعار بازمانده از دیوان حقیقی»، الهیاری تبریزی، مهدی؛ گزارش میراث، دوره دوم، ضمیمه شماره ۳، زمستان ۱۳۹۱.

منابع لاتین

ATICI ARAYANCAN, Ayşe, *Akkoyunlu Ve Karakoyunlulara Edebiyat Ve Snnat* (White Sheep And Black Sheep Literature And Art), Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Tarih Anabilim Dalı Ortaçağ Tarihi Bilim Dalı Doktora Öğrencisi.

DEMİRCİ, Jale, "Cihanşah (Hakikî) Divanı'nın İki Yeni Nüshası", *Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü Türko-loji Dergisi*, C 12, S 1, Ankara, 1997.

----- DEMİRCİ, Jale, *Cihânşâh Hakikî Divânı*, İnceleme-Metin-Dizin, Köksav Yay, Ankara, 2001.

DEĞİRMENÇAY, Veyis, *Karakoyunlu Hükümdarı Cihânşâh ve Farsça Şiirleri (Divân-ı Hakikî)*, Erzurum, 2004.

-----, *Karakoyunlu Hükümdarı Cihânşâh, Farsça Şiirleri (Divân-ı Hakikî)*, çev: Veyis Değirmençay, Erzurum, 2004.

-----, *Karakoyunlu Hükümdarı Cihânşâh ve Farsça Şiirleri (Divân-ı Hakikî)*, [Farsça metin kısmı] Erzurum, 2004.

DIRİÖZ, Haydar Ali, "Cihânşâh'ın Türkçe Şiirleri", *Emin Bilgiç Hatıra Kitabı*, haz.: Oktay Aslanapa, Ekmeleddin İhsanoğlu, İstanbul, 2000, 195-215.

HÜSEYNZADƏ, Lətif, *Həqiqi. Şe'r-lər. Kitabın tərtibi və şərh-ləri filoloji elmlər namizədi*, Hayastan nəşriyyatı, Yerevan, 1966.

I. P. Petrushevskij, "Vnutrennjaja Politika Ahmeda Ak Kojunlu", Izv. Azerb. FAN, "Sbornik Statei Po istorii Azerbajdžana", 1942/2.

G. V. Abgaryan, *Matenadaran*, Hayastani Bedakan Heradarachootiun, Yerevan 1969, P. 31.

KAYNAKÇA, Aka, İsmail, *İran'da Türkmen Hâkimiyeti (Karakoyunlular Devri)*, Türk Tarih Kurumu Yayını, Ankara, 2001.

KONUĞÇU, Enver, "Cihanşah", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, C 7, İstanbul, 1993.

MACİT, Muhsin, "Cihânşâh ve Türkçe Şiirleri", *Bilig*, S 113, Bahar, İstanbul, 2000.

-----, "Karakoyunlu Hükümdarı Cihânşâh'ın Dînî-Mistik Evreni", *Türk Kültür İncelemeleri Dergisi*, S 6, İstanbul, 2002.

-----, *Karakoyunlu Hükümdarı Cihânşâh ve Türkçe Şiirleri*, Ankara, 2002.

lamic Chanceries, Oxford, 1965, pp. 159-170, 236-2451.

75. K. P. Kostikyan, *Persian Documents Of The Matenadaran*, National Academy Of Sciences Republic Of Armenia Institute Of Oriental Studies, Decrees, vol, 1, (1449-1594), Yerevan, 1956.

منابع فارسی و ترکی

«ابوبکر طهرانی و کتاب دیار بکره»، چهرازی، منصور؛ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۲۸، بهمن ۱۳۷۸.

«اشعار بازمانده از دیوان حقیقی»، بصیری پور، علی؛ آینه میراث، شماره ۴۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

«ایران در سده پانزدهم (نهم هجری) بین ترکیه و ونیز، و - مینورسکی»، مترجم امیرخانی، محمدباقر؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۰۲، تابستان ۱۳۵۱.

«اندیشه سیاسی فضل بن روزبهان خنجی»، ایزدی، حسین؛ کیهان اندیشه، آذر و دی ۱۳۷۰، شماره ۳۹.

«تشیع قراقویونلوها، (۷۸۰-۸۷۲ ه. ق.)»، شاهمرادی، سیدمسعود، منتظرالقائم، اصغر؛ پژوهش‌های تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم، شماره اول، (پیاپی ۱۷)، بهار ۱۳۹۲، ص ۴۹-۷۲.

«جغرافیای تاریخی و آثار باستانی تبریز»، وهرام، مجید؛ بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۸، مهر و آبان ۱۳۴۹.

«جهان‌شاه حقیقی، قاندم قربانوف»، مترجم قوجق، یوسف، شعر، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۷۶.

«جهان‌شاه قراقویونلو»، مکریم خلیل ینانج؛ مترجم ولی، وهاب؛ فرهنگ، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۷۵.

«جهان‌شاه قره‌قویونلو»، الهیاری تبریزی، مهدی؛ مجله بین‌المللی کورپو، ایران، تبریز -- جمهوری آذربایجان، ۶۲ نجی نومه، باهار و یای فصلی، خرداد ۱۳۹۰.

«جهان‌شاه قره‌قویونلو، پادشاه شاعر»، الهیاری تبریزی؛ مهدی، کتاب ماه ادبیات، شماره پیاپی ۱۹۷، اسفند ۱۳۹۲، ص ۶۷.

دیوان تورکی جهان‌شاه حقیقی؛ تدوین و تصحیح کریمی، محمدرضا؛ کرج؛ انتشارات پینار، ۱۳۸۹.

«عنادورزی جهان‌شاه با شیخ جنید صفوی: دلیل سیاسی یا مذهبی»، عادل، پرویز؛ رشد آموزش تاریخ، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۵.

«فتنه حروفیه در تبریز»، مشکور، محمدجواد؛ بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۲، مهر و آبان ۱۳۴۸.

«فرمانی از دوران ابوالمظفر جهان‌شاه قره‌قویونلو»، همایونفرخ، رکن‌الدین؛ بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۷، مرداد و شهریور ۱۳۴۹.

«گزارش مشروح راجع به مسجد جهان‌شاه»، ابوالضیا، محمود؛ نامه انجمن، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۵.

«مسجد کبود تبریز یا عمارت مظفریه»، نخجوانی، حسین؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۳، خرداد ۱۳۲۷.

«مکاتبه منظوم جهان‌شاه و بیروداق»، بختیاری، اوزن؛ وحید، شماره ۱۱۳، اردیبهشت ۱۳۵۲.

«میرزا جهان‌شاه حقیقی و اشعار وی درباره مولانا جلال‌الدین بلخی»، تمیزال، علی؛ زبان و ادب، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۷.

دیوان میرزا جهان‌شاه حقیقی، فارسی -- ترکی، براساس نسخه دستنویس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، (شعر ترکی و فارسی، قرن ۹ ه)؛ تهران: فیروزان،

-----, "Hükümdar, Şair, *Trajedî Kahramanı: Karakoyunlu Cihanşah ve Türkçe Şiirleri* -

(Cihanşah the Karakoyunlu Emperor and His Poems in Turkish, 2002), Grafik Yayınları, 2002" Virgül, 50 (Nisan 2002), ISBN 975-93344-1-0, Sayfa Sayı 210.

-----, "Karakoyunlu ve Akkoyunlu Türkmenlerinin Edebî Faaliyetleri", *Türkler*, Yeni Türkiye Yayınları, Ankara 2002, 696-701. 6.

-----, "Karakoyunlu Cihânşah'ın Mesnevi Sevgisi", *Türk Edebiyatı Dergisi*, C. 338, s. 13-16. 2001

MINORSKY, V, "Karakoyunlu Cihanşah ve Şiirleri", tercüme: Mine Erol, Selçuklu Tarih ve Medeniyeti Enstitüsü- *Selçuklu Araştırmaları Dergisi*, C 2, Ankara, 1971.

ÖZTUNA, Yılmaz, *Devletler ve Hanedanlar-İslam Devletleri*, C I, Ankara, 1996.

RECEBOV, Rahman, *Cihanşah Hakiki*, Aşkabat 1999, 123 s.

REFAHÎ Alemdarî, Firuz, *Mirza Cihânşâh Hakikî*, Farsça-Türkçe Divan, Tahran: İntişârât-ı Firuzân, 1380.

RƏHİMOV, Əbülfəz, HÜSEYNZADƏ, Lətif, ƏLİYEV, Mail, *Cahanşah Həqiqi, seçilmiş əsərləri*, Tərtib, müqədimə və lüğətin müəllifləri, Yazıçı, Bakı, 1986.

SÜMER, Faruk, "Kara-Koyunlular", *İslam Ansiklopedisi*, İslam Âlemi Tarih, Coğrafya, Etnografya ve Biyografya Lugati, C 6, İstanbul, 1993.

-----, "Karakoyunlular", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, C 26, İstanbul, 2001.

TEMİZEL, Ali, "Mirza Cihanşah Hakikî ve Mevlâna", Selçuk Üniversitesi, Mevlâna Araştırma ve Uygulama Merkezi, *Mevlâna Araştırmaları Dergisi*, Sayı: 2, s. 55-72, Ankara, 2007.

TMGI, *Jahanşa Hakykı*, "Goşgylyar diwany", Aşgabat, 1999.

YINANÇ, Mükrimin H, "Cihan-Şah", *İslam Ansiklopedisi*, İslam Âlemi Tarih, Coğrafya, Etnografya ve Biyografya Lugati, C 3, İstanbul, 1993.